

به نام خدا



بررسی آثار اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها بر فعالیتهای صنعتی در سال ۱۳۹۰



ناظران کیفی : مهندس خسرو کسائیان – دکتر محمود اسلامیان

پژوهشگران : دکتر جمشید تقسیمی

مهندس نادره راست قلم

کارشناس ارشد لیلا یزدانی

پرسشگر: گروه های دانشجویی

اردیبهشت ۱۳۹۱ - اصفهان

فهرست مطالب

بخش اول - مقدمه و بیان موضوع

۴.....	۱-۱ مقدمه
۴.....	۲-۱ وضعیت موجود فعالیتهای صنعتی در ایران
۵.....	۳-۱ اثرات کلی طرح هدفمند کردن یارانه بر صنعت

بخش دوم - بررسی روند تغییرات مؤلفه های اقتصاد کلان کشور طی سال های اخیر

۸.....	۱-۲ صادرات و واردات
۱۰.....	۲-۲ حجم نقدینگی
۱۱.....	۳-۲ منابع بودجه کل کشور
۱۲.....	۴-۲ نرخ بیکاری
۱۲.....	۵-۲ کسری بودجه دولت
۱۳.....	۶-۲ متوسط هزینه و درآمد ناخالص کل خانوار شهری
۱۴.....	۷-۲ روند تغییرات شاخص های قیمت
۱۵.....	۸-۲ شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران طی پنج سال گذشته
۱۶.....	۹-۲ متوسط قیمت دلار در بازار آزاد - بانک مرکزی
۱۶.....	۱۰-۲ متوسط قیمت دلار در بازار آزاد - صرافی
۱۷.....	۱۱-۲ متوسط قیمت سکه بهار آزادی
۱۸.....	۱۲-۲ نرخ سود علی الحساب سپرده های بانکهای دولتی

بخش سوم - بررسی موضوع از طریق مطالعات میدانی

۱۹.....	۱-۳ روش تحقیق و جمع آوری داده ها از طریق صاحبان صنایع و کسب و کار در استان اصفهان
۲۱.....	۲-۳ تغییر در حجم تولید واحدهای صنعتی
۲۲.....	۳-۳ تغییر در میزان اشتغال واحدهای صنعتی
۲۳.....	۴-۳ تغییر در حجم فروش واحدهای صنعتی
۲۴.....	۵-۳ تغییر در هزینه تمام شده محصولات واحدهای صنعتی

۶-۳ تغییر در قیمت فروش محصولات واحدهای صنعتی	۲۵
۷-۳ تغییر در حجم صادرات واحدهای صنعتی.....	۲۶
۸-۳ تغییر در حجم واردات کالاهای مشابه تولید واحدهای صنعتی	۲۷
۹-۳ تغییر در حجم مطالبات عموق واحدهای صنعتی.....	۲۸
۱۰-۳ استفاده از تسهیلات حمایتی درنظر گرفته از سوی دولت.....	۲۹
۱۱-۳ اعلام آمادگی واحدها برای اجرای مرحله دوم طرح هدفمندی یارانه ها	۳۰
۱۲-۳ پیامدهای اقتصادی.....	۳۲
۱۳-۳ نظر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.....	۳۳
۱۴-۳ راهکارهایی برای اجرای بهتر و مؤثر تر طرح هدفمند کردن یارانه ها از دید واحدهای منتخب.....	۳۴
۱۵-۳ اثرات مثبت و منفی اجرای قانون از دید واحدهای منتخب	۳۵

بخش چهارم – تحلیل اثرات اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها

۱-۴ تاثیرات کوتاه و میان مدت بر قیمت و عرضه کالاهای.....	۳۶
۱-۴ رفتار صنعت: انتقال هزینه ها به مصرف کنندگان.....	۳۶
۲-۱-۴ رفتار مصرف کنندگان	۳۷
۲-۴ تاثیرات بلندمدت	۳۸
۳-۴ سایر ابعاد سیاست گذاری	۳۹
۴-۳-۴ تامین مالی سرمایه کاری	۴۰
۴-۳-۴ بیمه های بیکاری	۴۰
۴-۳-۴ تامین مالی بهینه سازی فناوری	۴۰
۴-۳-۴ ابزارهای مدیریت ریسک	۴۰
۵-۳-۴ زمان بندی اجرا	۴۰
۶-۳-۴ سال ۱۳۹۱ و تولید.....	۴۰
۷-۳-۴ جمع بندی.....	۴۲
۴-۴ پیشنهادات و توصیه های سیاست گذاری	۴۳
۴-۴ تورم و مرحله دوم طرح هدفمندی یارانه ها	۴۴
۴-۴ روند تورم با فرض اجرای فاز دوم طرح هدفمندی در ماه جاری.....	۴۴

بخش اول - مقدمه و بیان موضوع

۱- مقدمه

یکی از مهمترین اثرات طرح هدفمند کردن یارانه ها بر میزان و نوع سرمایه گذاری در کشور عزیzman ایران است. اما آنچه در واقعیت وجود دارد عدم مطلوب بودن وضعیت سرمایه گذاری در این روزهاست. چراکه امکان دارد با افزایش قیمت حامل های انرژی و در نتیجه افزایش هزینه ها، وضع سرمایه گذاری هر روز نیز بدتر شده و عدم رقابت با کالاهای گوناگون در سطح جهان را جدی تر کند.

بر اساس اصول مسلم علم اقتصاد، کاهش سرمایه گذاری حتی در کوتاه مدت به طور حتم تولید را کاهش می دهد. در عمل طرحی که قرار بود مشکل دهک های پائین جامعه را حل نماید، خود عاملی بر افزایش هرچه بیشتر معضلات این گروه گردیده است. چراکه کاهش تولید، تقاضای نیروی کار را توسط تولیدکنندگان کاهش داده و بنابراین اشتغال کاهش و بیکاری افزایش می یابد. به علت افزون شدن عرضه نیروی کار بر تقاضای نیروی کار، سطح دستمزدها کاهش می یابد که هر دو راه به یک نتیجه منتج می شود و آن چیزی نیست جز کاهش قدرت خرید و افزایش فقر و ... بنابراین باید گفت طرحی با این همه خوبی در عمل ممکن است به موفقیت دلخواه نرسیده و وضع از این هم که هست، بدتر شود. زیرا هر روز که می گذرد بر ارزش واردات ما از کشورهای گوناگون همچون چین افزوده شده و تقاضا برای کالاهای ساخت داخل کاهش می یابد که این معضل با حذف یارانه های انرژی حتی به صورت مرحله ای، هزینه های تمام شده را برای تولیدکنندگان افزایش و درنتیجه سود آنها را کاهش می دهد. آیا براستی کاهش سود نتیجه ای جز کاهش تقاضای نیروی کار و درنتیجه کاهش اشتغال و افزایش بیکاری را در پی نخواهد داشت؟ بنابراین باید هرچه بیشتر بر روی تک تک بخش های این طرح بسیار مهم و اساسی که بر تمامی مردم ایران موثر خواهد بود، تحقیق و بررسی دقیق انجام گیرد.

پژوهش حاضر در این راستا و به صورت میدانی و جمع آوری نظرات صاحبان صنایع این موضوع مهم را مورد بررسی دقیق، شفاف و کارشناسانه قرار می دهد.

۲- وضعیت موجود فعالیتهای صنعتی در ایران

اثرات افزایش بی رویه هزینه های تولید از سال ۱۳۷۹ صنعت کشور را با رکود روز افزون مواجه کرده است، به طوری که تا ۱۳۸۹ هزینه متوسط تولید در سطح جهان ۵۸ درصد، در کشور چین ۴۹ درصد و در ایران ۳۶۲ درصد افزایش داشته است. تحمل این موضوع با سطح و شدت رقابت موجود در بازار داخل و خارج از توان صنایع کشور خارج است.

عامل دیگر، مبارزه نابرابر تولید با حجم نقدینگی است. نقدینگی در گردش مورد استفاده در دست واردکنندگان و تجار بزرگ که عمدتاً از طریق شبکه بانکی تامین گردیده و میزان سود و برگشت اصل سرمایه اولیه آن جاذبه ای غیر قابل صرف نظر برای سیستم بانکی است، به میزان ۳۰۰۰۰ میلیارد تومان و این میزان برای تولید کنندگان بخش خصوصی ۹۸۰۰ میلیارد تومان است. این عامل به سرعت میتواند تقاضای کالا و خدمات کشور را سریعتر و رقابتی تر از تولید کننده داخلی تامین نماید.^۱

^۱ ارقام برگرفته از گزارش صندوق بین المللی پول (IMF) سال ۲۰۱۱

وضعیت صنعت ایران در سال‌های آینده صرفاً با تغییر قیمت نهاده‌های تولید تعیین می‌شود و متغیرهای مهم دیگری مثل رشد کلی اقتصاد، سیاست‌های تجاری، ریسک‌های اقتصاد، مقررات بازار کار، وضعیت بازار مالی و دیپلماسی اقتصادی می‌توانند اثرات مهمی داشته باشند. اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها و حذف یارانه حامل‌های انرژی به روند افزایش هزینه تولید در ایران شتاب دیگری اضافه کرد. همزمانی این طرح و افزایش تصاعدی نقدینگی حاصل از افزایش مجدد قیمت نفت و تسهیل شدن واردات از نظر مالی، علیرغم تحریم‌ها، شدت رکود بر بازار تولید داخلی را چند برابر کرده است. تولیدکنندگان بسیاری در کشور تبدیل به وارد کننده تولید خود از کشورهای دیگر به خصوص کشور چین شده‌اند. این موضوع به مهمترین عامل تهدید کننده اشغال پایدار تبدیل شده است. در ادامه این گزارش به دلیل اهمیت موضوع اثر اصلاح یارانه‌ها بر صنعت توجیهات و تحلیل‌های علمی موضوع به شرح ذیل بیان می‌شود.

۱-۳ اثرات کلی طرح هدفمند کردن یارانه بر صنعت

یکی از مسایلی که در اقتصاد توجه ویژه‌ای به آن شده است بررسی اثر شوک‌های اقتصادی بر بازارهای مختلف و کاهش اثرات نامطلوب آنها در اقتصاد است. افزایش قیمت حامل‌های انرژی که از الزامات طرح هدفمند کردن یارانه‌ها است تمام بخش‌های اقتصادی را تحت تاثیر قرار داده و در قالب یک شوک بسیار ناگهانی اثراتی بر اقتصاد بر جای گذاشته است.

در مورد اثرات افزایش قیمت حامل‌های انرژی بحث‌های زیادی انجام شده و تاثیر مستقیم افزایش قیمت بر هر بخش مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین بخشندهایی که به واسطه افزایش قیمت حامل‌های انرژی دچار مشکل گردیده، بخش تولید کشور و مخصوصاً صنایع انرژی بر می‌باشد.

مهم‌ترین تاثیر مستقیم افزایش قیمت انرژی در این بخش افزایش هزینه‌های تولید است که منجر به گران شدن محصول تولید شده و در نتیجه کاهش چشمگیر حاشیه سود می‌شود که در بعضی صنایع افزایش قیمت نهاده انرژی، تولید را از صرفه اقتصادی خارج می‌کند. اثر ثانویه و یا غیر مستقیم افزایش قیمت حامل‌های انرژی بر بخش تولید کاهش استفاده از این نهاده در تولید کالا‌ها و خدمات است. زمانی که قیمت یک نهاده تولیدی افزایش می‌یابد بسته به کالای تولید شده و نرخ جانشینی موجود نسبت استفاده از نهاده‌ها تغییر می‌کند تا اثر افزایش قیمت آن نهاده تا حد امکان در تولید کاهش یابد.

در واقع یکی از بهترین ابزارهایی که می‌توان به واسطه آن محدودیت‌های برای مصرف یک کالا وضع کرد ابزار قیمت است. با افزایش قیمت و در صورت ضروری نبودن کالا، عاملین اقتصادی سعی می‌کنند تا با کاهش مصرف خود از کالا و جایگزین کردن کالا‌های مشابه بهترین استفاده را از امکانات خود داشته باشند. اما زمانی که کالای مورد استفاده جزء کالا‌های ضروری باشد و از جمله نیازهای اساسی باشد که وجود آن برای ادامه فعالیت‌های اقتصادی چه در بعد مصرف و چه در بعد تولید ضروری باشد. عاملین اقتصادی مجبور هستند برای تامین مقدار نیاز از کالای مذکور قسمت بیشتری از بودجه خود را صرف خرید آن نمایند که این حرکت منجر به کاهش رفاه آنها می‌گردد.

در مورد صنایعی که ارتباط تنگانگی با حامل‌های انرژی دارند این وضعیت به خوبی مشخص است. برای بررسی ساده‌تر وضعیت افزایش قیمت حامل‌های انرژی در صنایع وابسته به انرژی می‌توان صنایع کشور که به نهاده‌های انرژی وابستگی دارند را در دو گروه تقسیم کرد. صنایعی که با استفاده از حامل‌های انرژی به تولید انرژی و مواد پتروشیمی می‌پردازند و صنایعی که با استفاده از نهاده انرژی به تولید سایر کالاها می‌پردازند. در هر دو حالت افزایش قیمت نهاده انرژی موجب افزایش هزینه‌های تمام شده تولید می‌شود و در نتیجه قیمت محصول افزایش پیدا می‌کند و همچنین حاشیه سود آن نیز کم می‌شود. اما در حالت اول محصول تولید شده، در بازارهای دیگر به فروش می‌رسد و چون در بازارهای حامل‌های انرژی آزاد سازی قیمت صورت گرفته است به احتمال زیاد هزینه‌های تولید با فروش در

قیمت های آزاد شده پوشش داده می شود. نمونه بسیار مشخص این نوع صنایع صنعت برق است. اگر با توجه به طرح هدفمند کردن یارانه ها قیمت گاز افزایش پیدا کند هزینه هر کیلوپایت برق تولیدی در نیروگاه ها افزایش می یابد اما چون در قیمت برق مصرفی نیز تجدید نظر خواهد شد و قیمت آن افزایش خواهد یافت تولید کنندگان برق که البته بخش قابل توجهی از آنها دولتی هستند با مشکل چندانی روبه رو نمی شوند.

اما دسته دیگری از صنایع هستند که از نهاده انرژی به عنوان کالای واسطه در تولید کالاهای دیگر استفاده می کنند. به عنوان نمونه می توان از صنعت فولاد و یا سیمان نام برد که وابستگی شدیدی به نهاده انرژی دارند و با افزایش قیمت حامل های انرژی هزینه های تولید آنها به شدت افزایش می یابد. در این حالت این صنایع تنها می توانند با افزایش قیمت کالای تولیدی خود هزینه های تولید را پوشش دهند. اما مشکل عمدۀ این صنایع در مقایسه با گروه اول رقابت شدیدتر با کالاهای مشابه خارجی است. در حال حاضر با افزایش قیمت نهاده های انرژی است شاهد تسخیر بازار توسط کالاهای خارجی در کشور هستیم که این به معنای افزایش توان رقابتی این دست کالاهای خارجی نسبت به کالاهای ایرانی در شش ماه گذشته است. در واقع با افزایش قیمت حامل های انرژی آن جایی که صنایع داخلی کشور که وابستگی شدیدی به نهاده انرژی دارند نمی توانند خود را با شرایط جدید تطبیق دهند بالاجبار بازار را به دست کالاهای تولیدی بنگاه های خارجی سپرده و تنها بخش کوچکی از بازار که تولید در آن کمتر به نهاده انرژی مربوط است در دست تولید کننده ایرانی باقی مانده است.

اثر طرح اصلاح یارانه ها روی صنایع مختلف یکسان نخواهد بود. با توجه به متفاوت بودن ساختار هزینه، ساختار رقابت در داخل و میزان تعامل با بازار خارجی در صنایع مختلف، شوک های ورودی می تواند سطوح متفاوتی از تولید و قیمت تعادلی جدید را ایجاد کند. علاوه بر آن اثرات کوتاه مدت و بلند مدت سیاست می تواند متفاوت باشد. نهایتاً این که بازتوزیع درآمد بین گروه های مختلف جامعه تابع تقاضا برای صنایع مختلف را به صورت متفاوتی تحت الشاعع قرار خواهد داد.

پدیده آزادسازی قیمت نهاده های تولید و مشخصاً انرژی البته موضوع جدید و منحصر به فردی نیست و به لحاظ تحلیلی بسیار شبیه به رفتاری است که شوک های قیمت انرژی به اقتصاد کشورهای صنعتی وارد می کند. البته با در نظر گرفتن این تفاوت که در بحث اصلاح یارانه ها در ایران، یک اثر بازتوزیع از دهک های بالا به دهک های پایین وجود دارد که دو اثر متفاوت روی تابع تقاضای این دهک ها بر جای خواهد گذاشت و لذا ابعاد جدید و جالبی به مساله اضافه می کند. وجود این دو اثر همزمان می تواند فشار مضاعفی را بر برخی صنایع وارد کند؛ چرا که شوک های هزینه و تقاضا برای این بخش ها به طور همزمان رخ خواهد داد. در مقابل برخی صنایع ممکن است از افزایش تقاضا برای کالاهای خود منتفع شوند.

به طور خلاصه، هدفمند کردن یارانه ها از مسیرهای مختلفی صنعت را تحت تاثیر قرار خواهد داد:

۱- افزایش هزینه های نهایی تولید صنعت باعث تغییرات در قابلیت رقابت، سطح بهینه تولید و تقاضای سرمایه گذاری می شود. (اثر هزینه ای)

۲- تغییر در سطح تولید بهینه برخی صنایع (مثل خودرو سازی) باعث تغییر در تقاضای مشتقه مواد اولیه آنها و در نتیجه تغییر در تقاضا برای صنایع ماده اولیه (مثل فولاد و شیشه) می شود. (اثر تقاضای صنعتی)

۳- تغییر در تقاضای مصرف کنندگان به دلیل تغییر قیمت نسبی کالاها و جا به جای خطا بودجه اثر دیگری است که نهایتاً اثر خود را روی سطح تعادلی تولید صنایع مختلف نشان می‌دهد. برخی از این صنایع عرضه کننده مستقیم هستند و برخی دیگر از رهگذار تغییر در تقاضای محصولات جانشین یا مکمل تحت شعاع قرار می‌گیرند. (اثر تقاضای مصرفی)

۴- ضعف بازار تامین مالی صنعتی، فقدان مکانیسم‌های عرضه اوراق قرضه صنعتی و ضعف نظام بانکی خصوصی باعث عدم تعادل بین سرمایه کاری (نقیدنگی) صنعت و هزینه‌های جدید تامین ماده اولیه می‌تواند باعث منفی شدن جریان نقدي شرکت‌های صنعتی و توقف تولید در عین اقتصادی بودن کل فناوری تولید شود. (اثر فشار مالی)

۵- تغییر در عرضه نیروی کار و دستمزد حقیقی می‌تواند اثرات افزایش قیمت سایر نهادها را تشدید یا تضعیف کند. (اثر بازار کار)

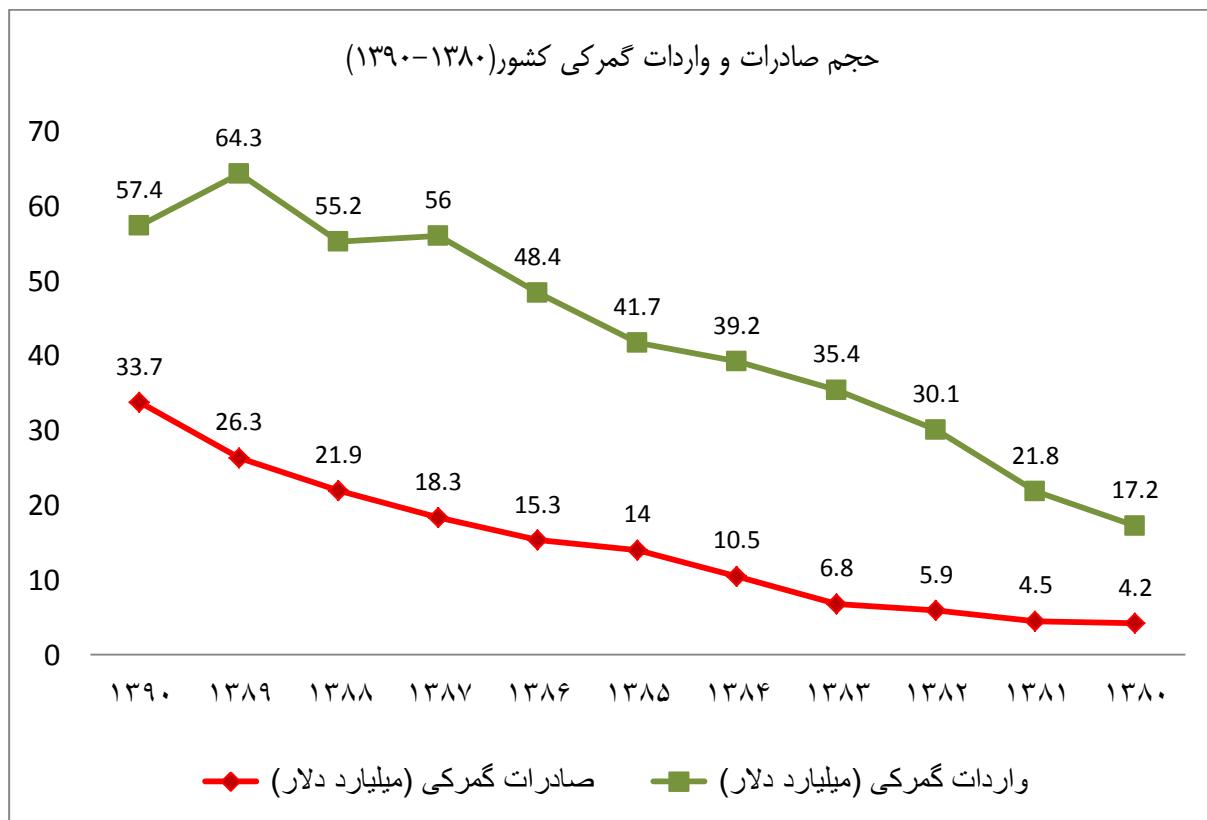
بخش دوم – بررسی روند تغییرات مؤلفه‌های اقتصاد کلان کشور طی سال‌های اخیر

در این قسمت از مطالعه به طور خلاصه و به صورت آماری و نموداری به بررسی برخی از مؤلفه‌ها و شاخص‌های کلان اقتصادی کشور می‌پردازیم. لازم به ذکر است دوره انتخابی برای نشان دادن تغییرات بر اساس آخرین اطلاعات موجود انتخاب شده و تمامی آمار استفاده شده در این قسمت صرفاً از اطلاعات منتشر شده توسط دو مرجع بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مرکز ملی آمار ایران استخراج شده است. البته جای خالی برخی از شاخص‌های اقتصادی که مهمترین آن‌ها نزد رشد اقتصادی کشور و استان‌هاست به علت عدم ارائه اطلاعات از سوی مراجع ذیصلاح در این قسمت غیر قابل انکار است.

۱-۲ صادرات و واردات

تغییرات حجم صادرات و واردات گمرکی کشور (۱۳۸۰-۱۳۹۰)

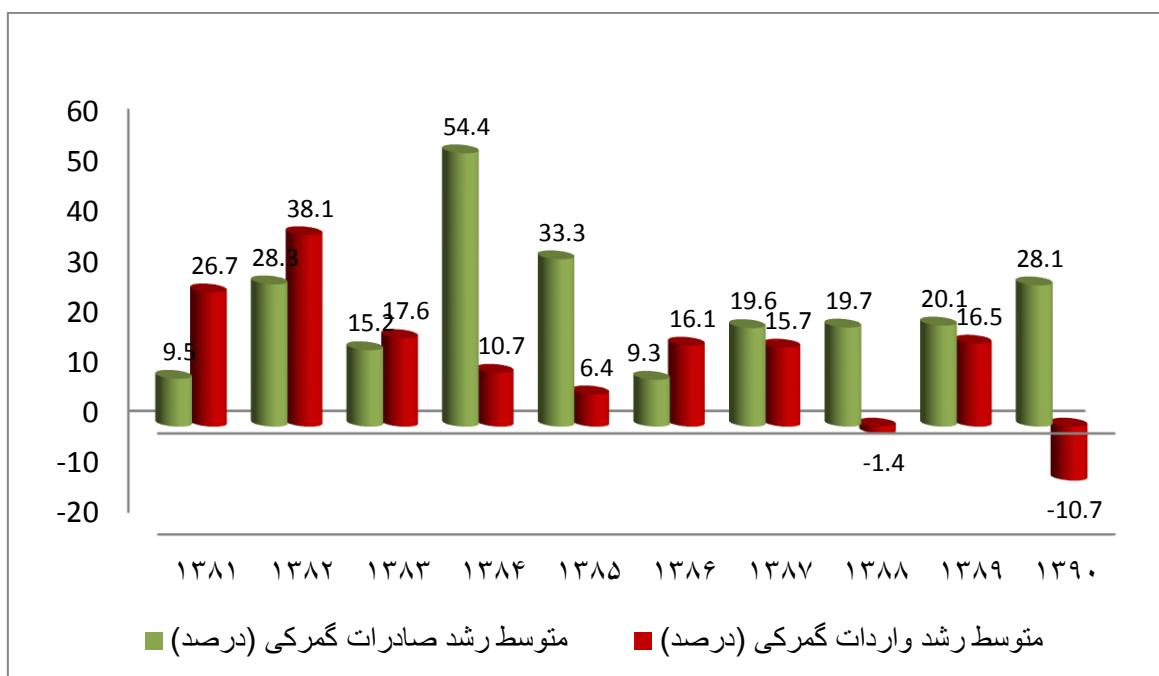
۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	
صادرات گمرکی (میلیارد دلار)	واردات گمرکی (میلیارد دلار)										
۳۳.۷	۲۶.۳	۲۱.۹	۱۸.۳	۱۵.۳	۱۴	۱۰.۵	۶.۸	۵.۹	۴.۵	۴.۲	
۵۷.۴	۶۴.۳	۵۵.۲	۵۶	۴۸.۴	۴۱.۷	۳۹.۲	۳۵.۴	۳۰.۱	۲۱.۸	۱۷.۲	



متوسط رشد صادرات و واردات گمرکی کشور (۱۳۸۱-۱۳۹۰)

۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	
۲۸.۱	۲۰.۱	۱۹.۷	۱۹.۶	۹.۳	۳۳.۲	۵۴.۴	۱۵.۲	۲۸.۳	۹.۵	متوسط رشد صادرات گمرکی (درصد)
-۱۰.۷	۱۶.۵	-۱.۴	۱۵.۷	۱۶.۱	۶.۴	۱۰.۷	۱۷.۶	۳۸.۱	۲۶.۷	متوسط رشد واردات گمرکی (درصد)

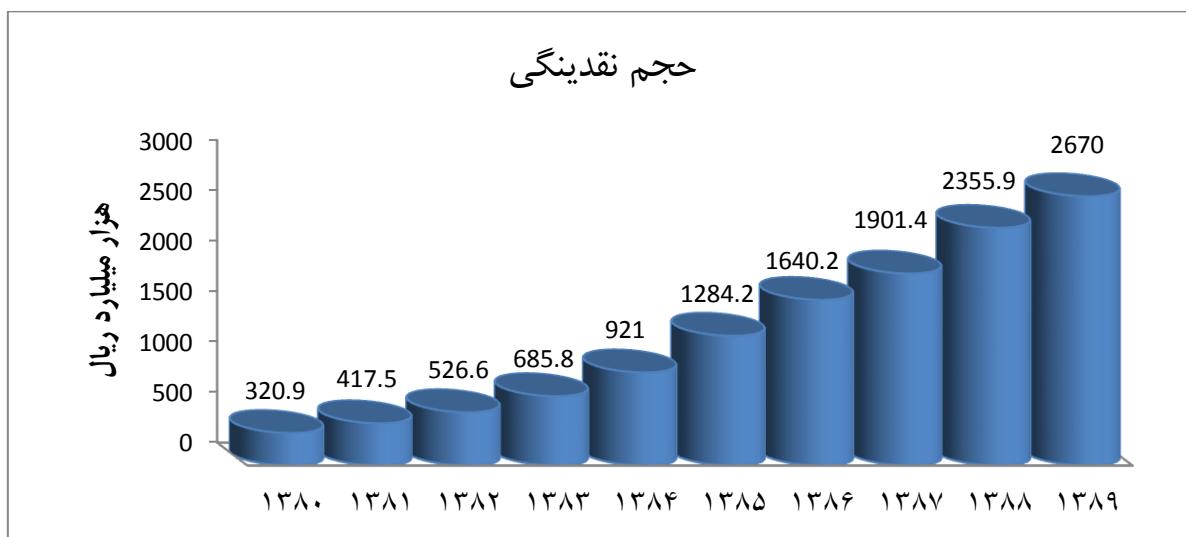
متوسط رشد صادرات و واردات کمرکی کشور (۱۳۹۰-۱۳۸۱)



۲-۲ حجم نقدینگی

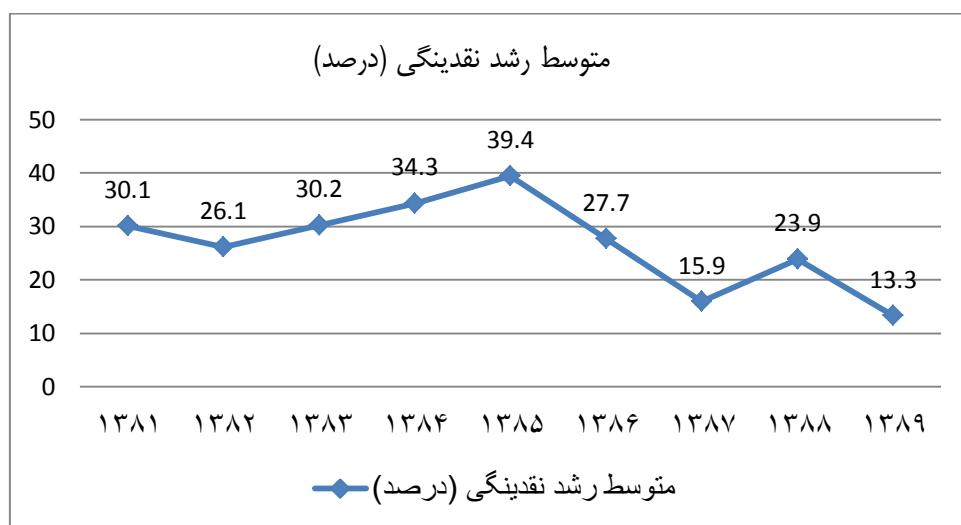
حجم نقدینگی (۱۳۸۰-۱۳۸۹)

۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	حجم نقدینگی (هزار میلیارد ریال)
۲۶۷۰	۲۳۵۵.۹	۱۹۰۱.۴	۱۶۴۰.۲	۱۲۸۴.۲	۹۲۱	۶۸۵.۸	۵۲۶.۶	۴۱۷.۵	۳۲۰.۹	حجم نقدینگی (هزار میلیارد ریال)



متوسط رشد نقدینگی (۱۳۸۱-۱۳۸۹)

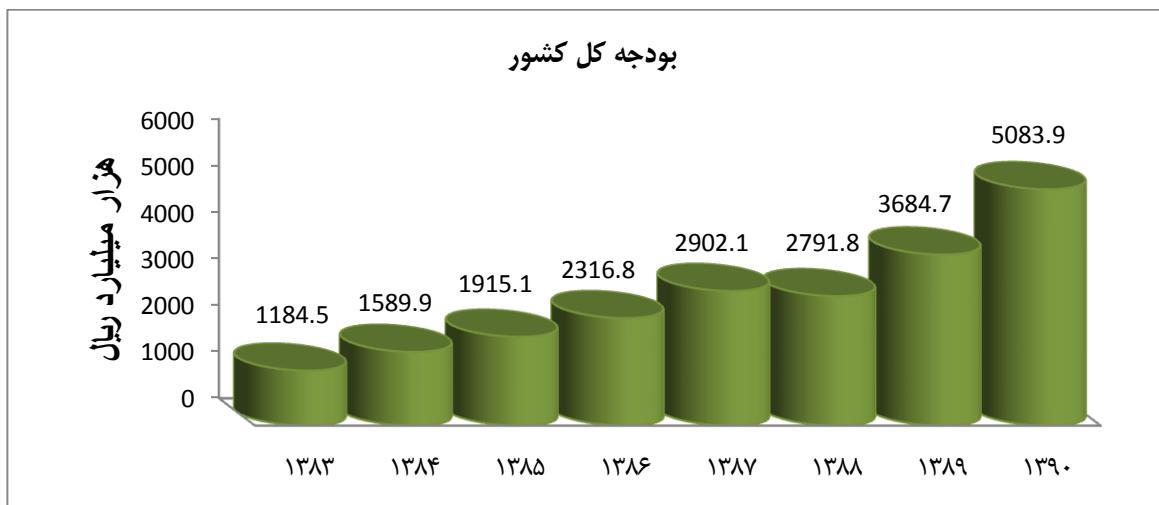
۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	متوسط رشد نقدینگی (درصد)
۱۳.۳	۲۳.۹	۱۵.۹	۲۷.۷	۳۹.۴	۳۴.۳	۳۰.۲	۲۶.۱	۳۰.۱	متوسط رشد نقدینگی (درصد)



۳-۲ منابع بودجه کل کشور

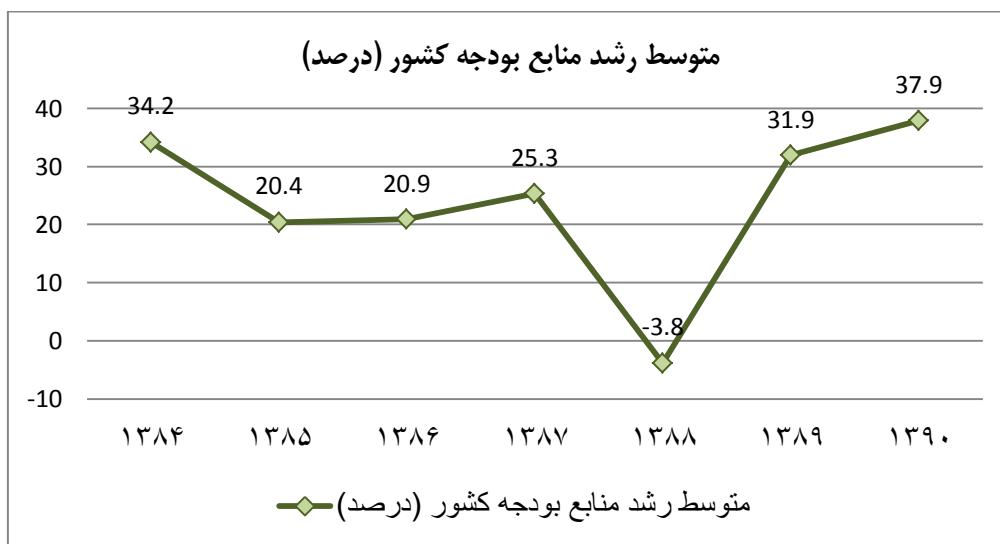
منابع بودجه کل کشور (۱۳۸۳-۱۳۹۱)

۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	منابع بودجه کل کشور (هزار میلیارد ریال)
۵۰۸۳.۹	۳۶۸۴.۷	۲۷۹۱.۸	۲۹۰۲.۱	۲۳۱۶.۸	۱۹۱۵.۱	۱۵۸۹.۹	۱۱۸۴.۵	

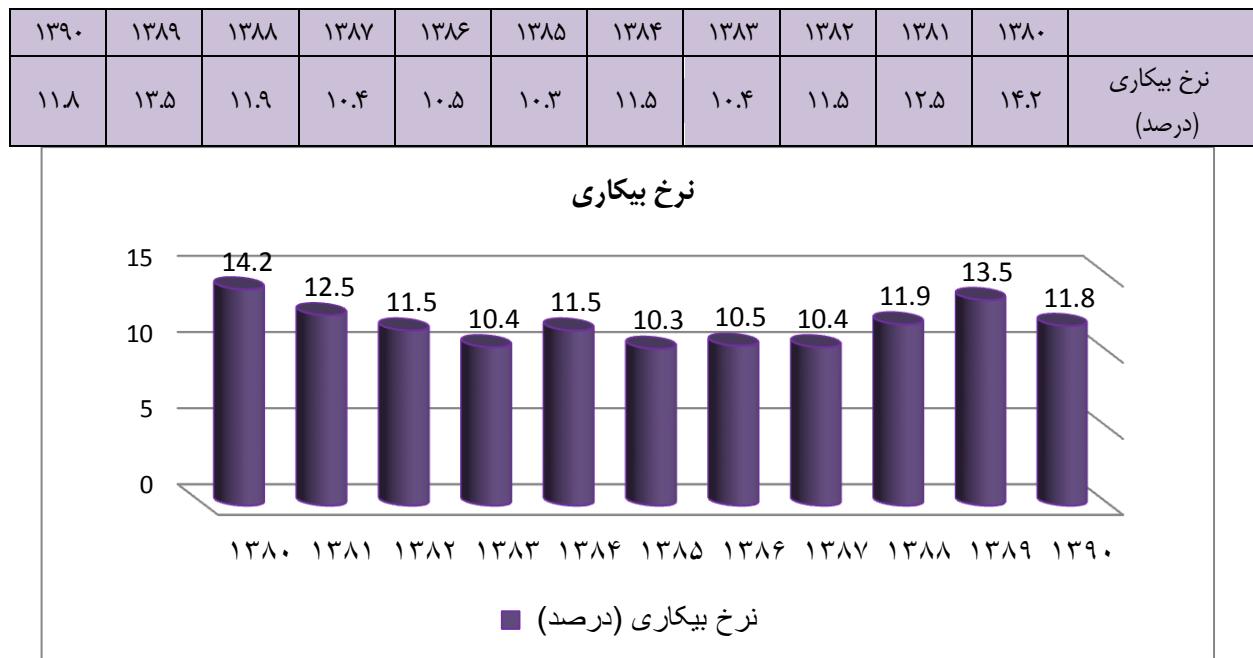


متوسط رشد منابع بودجه کل کشور (۱۳۸۴-۱۳۹۰)

۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	متوسط رشد منابع بودجه کشوار (درصد)
۳۷.۹	۳۱.۹	-۳.۸	۲۵.۳	۲۰.۹	۲۰.۴	۳۴.۲	

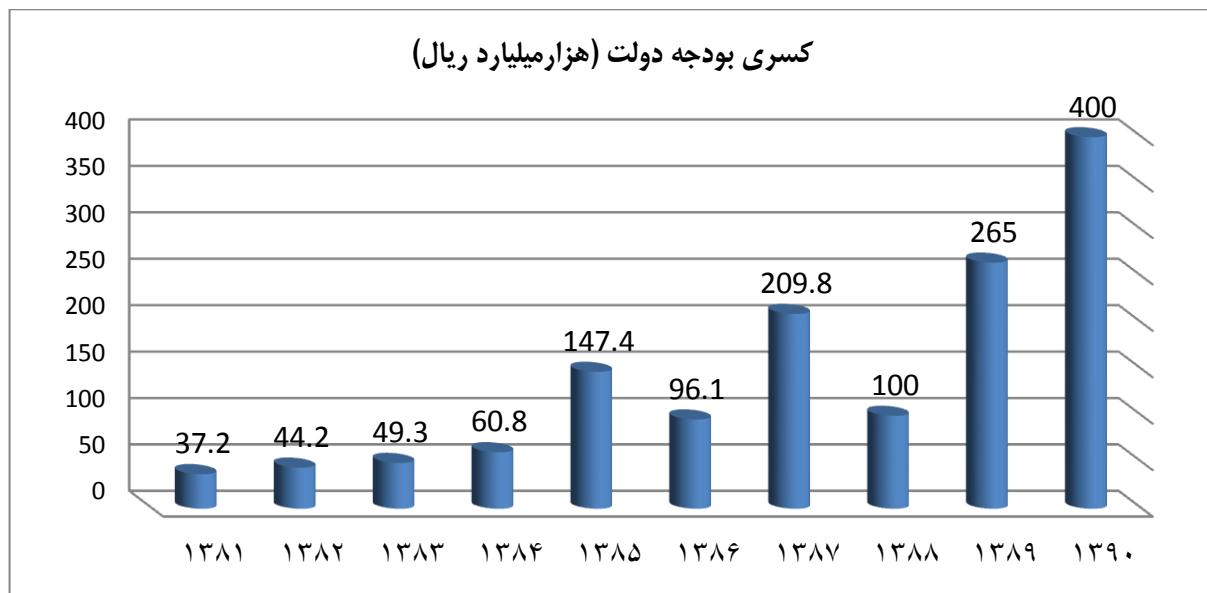


۴-۲ نرخ بیکاری (۱۳۸۰-۱۳۹۰)



۵-۲ کسری بودجه دولت (۱۳۹۰-۱۳۸۱)

۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	
کسری بودجه دولت (هزارمیلیارد ریال)										
۴۰۰	۲۶۵	۱۰۰	۲۰۹.۸	۹۶.۱	۱۴۷.۴	۶۰.۸	۴۹.۳	۴۴.۲	۳۷.۲	



۶-۲ متوسط هزینه و درآمد ناخالص کل خانوار شهری (۱۳۸۰-۱۳۸۹)

۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	
۱۴۱۶۶۲	۱۲۷۱۳۹	۱۱۵۴۴۵	۹۸۸۱۷	۷۷۷۰۴	۶۷۰۲۹	۵۹۰۴۹	۴۸۳۵۰	۴۲۶۹۶	۳۴۰۹۵	هزینه ناخالص کل خانوار شهری (هزار ریال)
۱۱.۴	۱۰.۱	۱۶.۸	۲۷.۲	۱۵.۹	۱۳.۵	۲۲.۱	۱۳.۲	۲۵.۲	۱۵.۴	متوسط رشد هزینه ناخالص کل خانوار (درصد)
۱۳۶۸۱۴	۱۲۳۹۴۹	۱۱۳۱۸۲	۹۶۷۶۴	۷۷۵۵۴	۶۶۵۱۷	۵۵۶۶۲	۴۶۱۳۰	۴۰۲۵۳	۳۱۶۷۴	مجموع درآمد پولی و غیر پولی ناخالص (هزار ریال)
۱۰.۳	۹.۵	۱۷	۲۴.۸	۱۶.۶	۱۹.۵	۲۰.۷	۱۴.۶	۲۷.۱	۲۲.۲	متوسط رشد درآمد پولی و غیرپولی ناخالص (درصد)

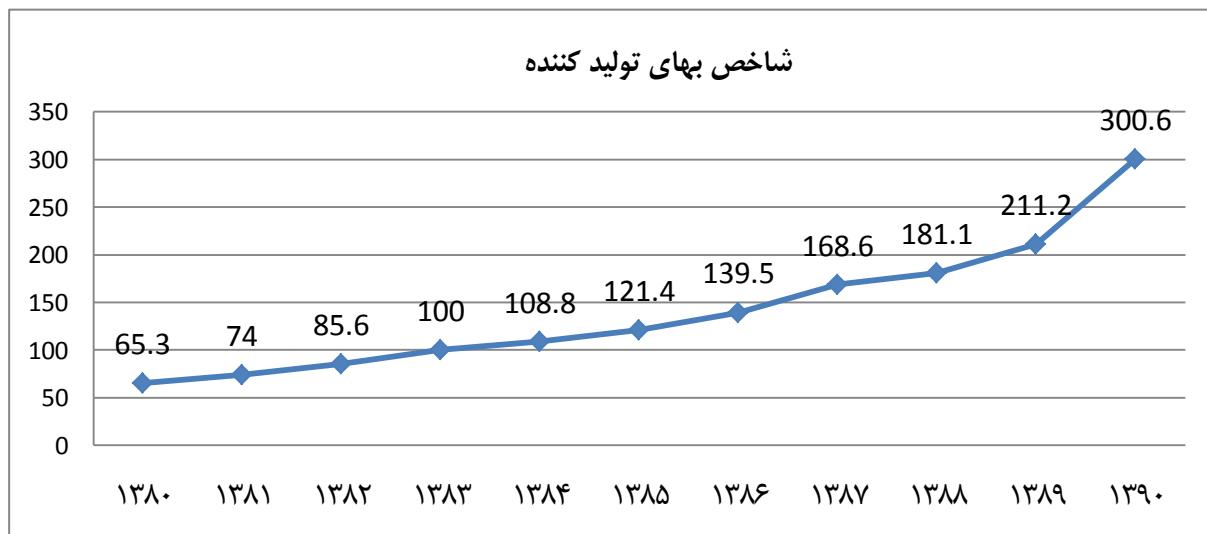
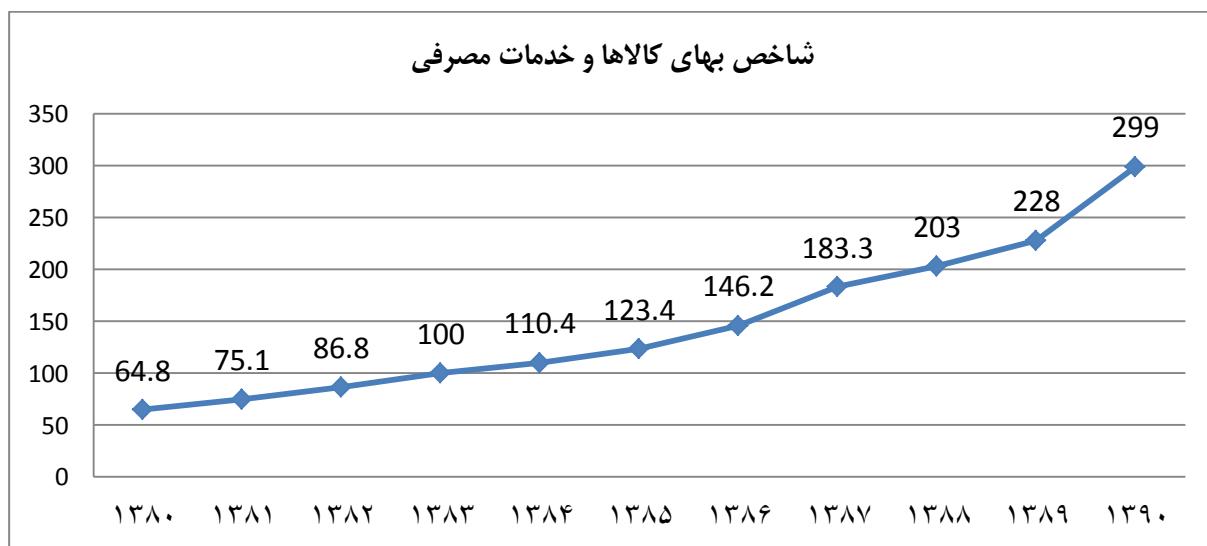
مقایسه متوسط هزینه و درآمد ناخالص کل خانوار شهری

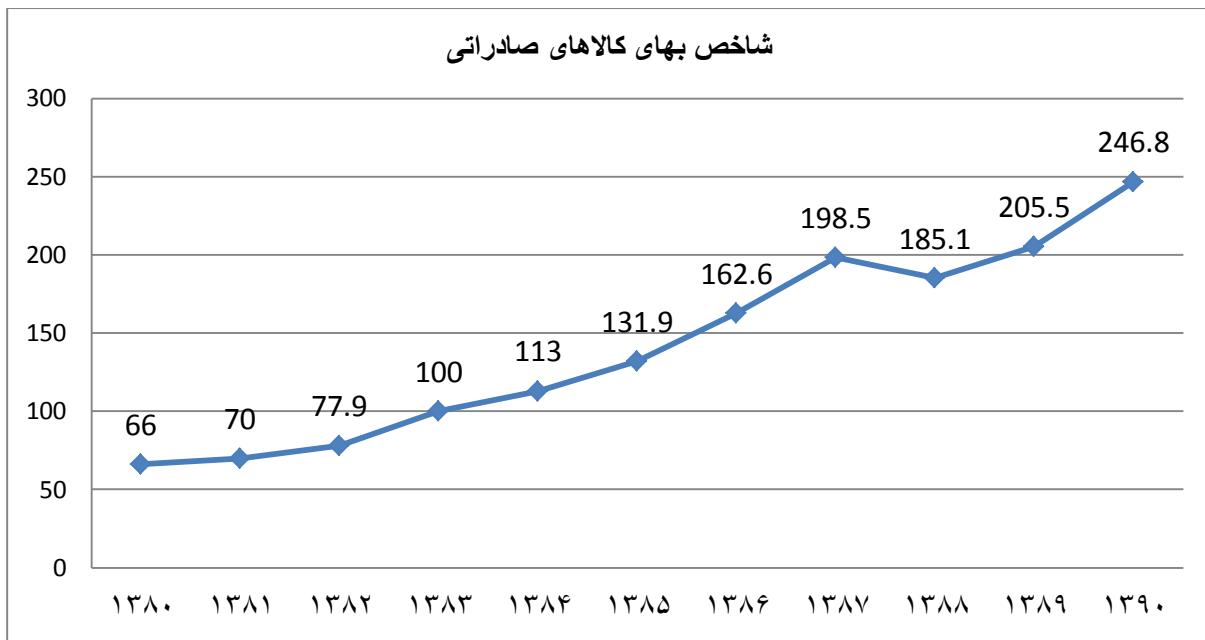


متوسط کسری بودجه یک خانوار شهری در سال ۱۳۸۹: ۴۸۴۸۰۰ ریال

۷-۲ روند تغییرات شاخص های قیمت (۱۳۸۰-۱۳۹۰)

۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	
۲۹۹	۲۲۸	۲۰۳	۱۸۳.۳	۱۴۶.۲	۱۲۳.۴	۱۱۰.۴	۱۰۰	۸۶.۸	۷۵.۱	۶۴.۸	شاخص بهای کالاهای و خدمات مصرفی ($۱۳۸۳=100$)
۳۰۰.۶	۲۱۱.۲	۱۸۱.۱	۱۶۸.۶	۱۳۹.۵	۱۲۱.۴	۱۰۸.۸	۱۰۰	۸۵.۶	۷۴	۶۵.۳	شاخص بهای تولیدکننده ($۱۳۸۳=100$)
۲۴۶.۸	۲۰۵.۵	۱۸۵.۱	۱۹۸.۵	۱۶۲.۶	۱۳۱.۹	۱۱۳	۱۰۰	۷۷.۹	۷۰	۶۶	شاخص بهای کالاهای صادراتی ($۱۳۸۳=100$)





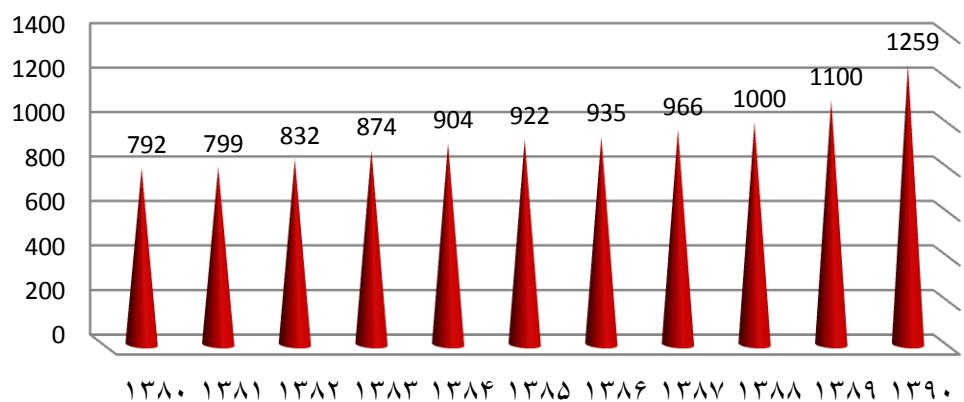
۸-۲ شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران طی پنج سال گذشته



۹-۲ متوسط قیمت دلار در بازار آزاد - بانک مرکزی (۱۳۹۰-۱۳۸۰)

۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	
۱۲۵۹	۱۱۰۰	۱۰۰۰	۹۶۶	۹۳۵	۹۲۲	۹۰۴	۸۷۴	۸۳۲	۷۹۹	۷۹۲	متوسط قیمت دلار در بازار آزاد (تومان)

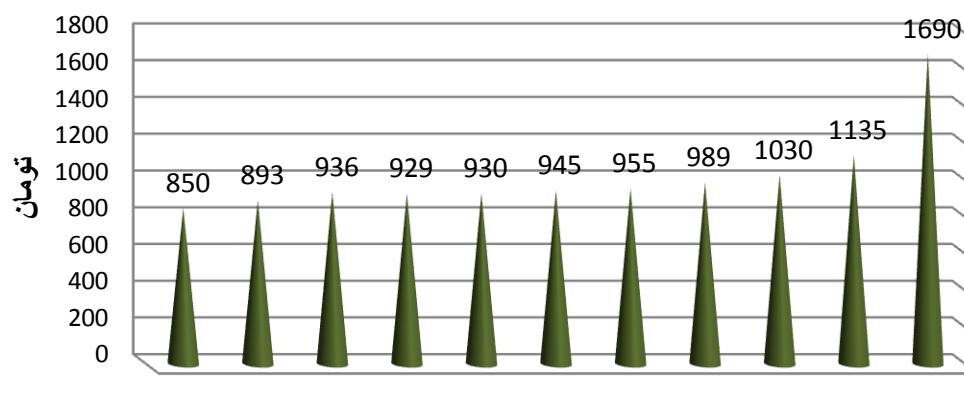
متوسط قیمت دلار در بازار آزاد (تومان)



۱۰-۲ متوسط قیمت دلار در بازار آزاد - صرافی (۱۳۹۰-۱۳۸۰)

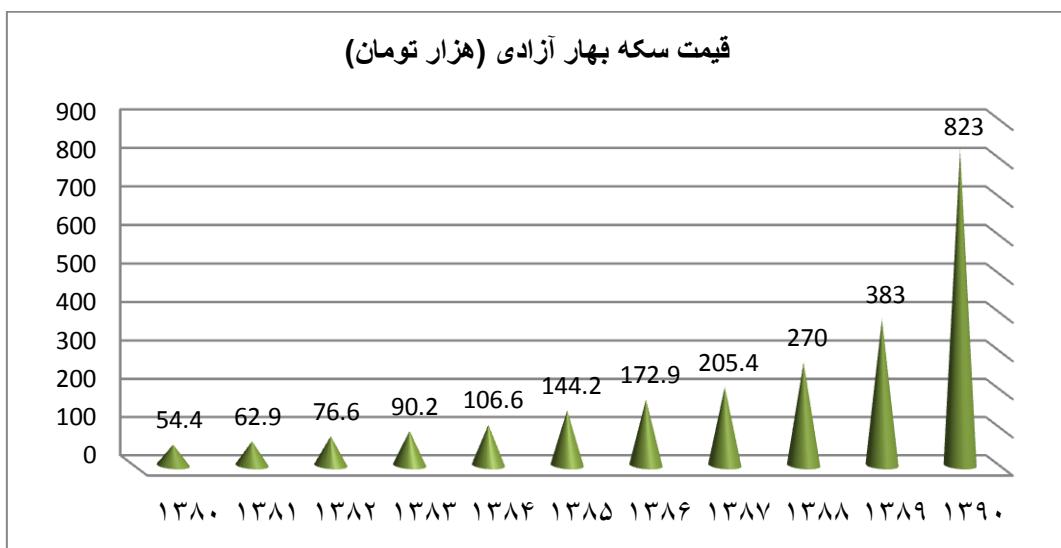
۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	
۱۶۹۰	۱۱۳۵	۱۰۳۰	۹۸۹	۹۵۵	۹۴۵	۹۳۰	۹۲۹	۹۳۶	۸۹۳	۸۵۰	متوسط قیمت دلار در بازار آزاد (تومان)

متوسط قیمت دلار در بازار آزاد (تومان)



۱۱-۲ متوسط قیمت سکه بهار آزادی (۱۳۹۰-۱۳۸۰)

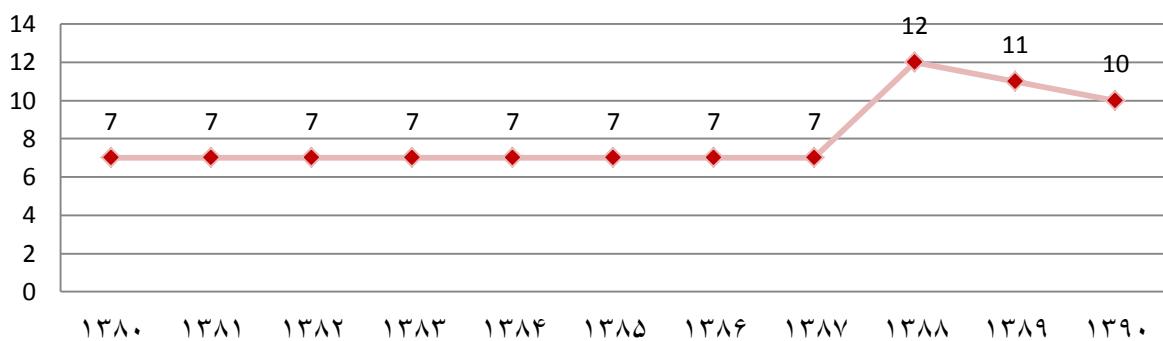
۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	قیمت سکه بهار آزادی (هزار تومان)
۸۲۳	۳۸۳	۲۷۰	۲۰۵.۴	۱۷۲.۹	۱۴۴.۲	۱۰۶.۶	۹۰.۲	۷۶.۶	۶۲.۹	۵۴.۴	



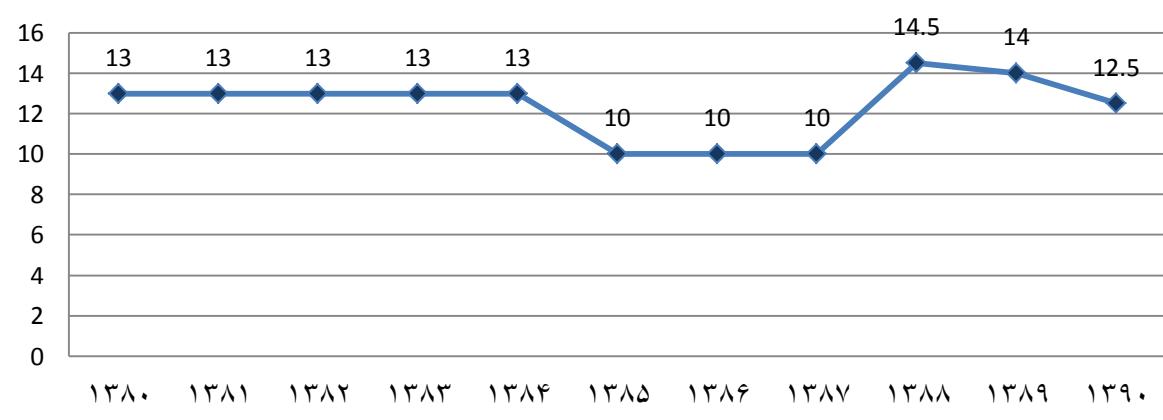
۱۲-۲ نرخ سود علی الحساب سپرده های بانکهای دولتی (۱۳۹۰-۱۳۸۰)

۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	
۱۰	۱۱	۱۲	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	نرخ سود علی الحساب سپرده های بانکهای دولتی به سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت (درصد)
۱۲.۵	۱۴	۱۴.۵	۱۶-۷	۱۶-۷	۱۶-۷	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	نرخ سود علی الحساب سپرده های بانکهای دولتی به سپرده سرمایه گذاری یک ساله (درصد)
۱۵	۱۷	۱۷.۵	۱۶	۱۶	۱۶	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	نرخ سود علی الحساب سپرده های بانکهای دولتی به سپرده سرمایه گذاری پنج ساله (درصد)

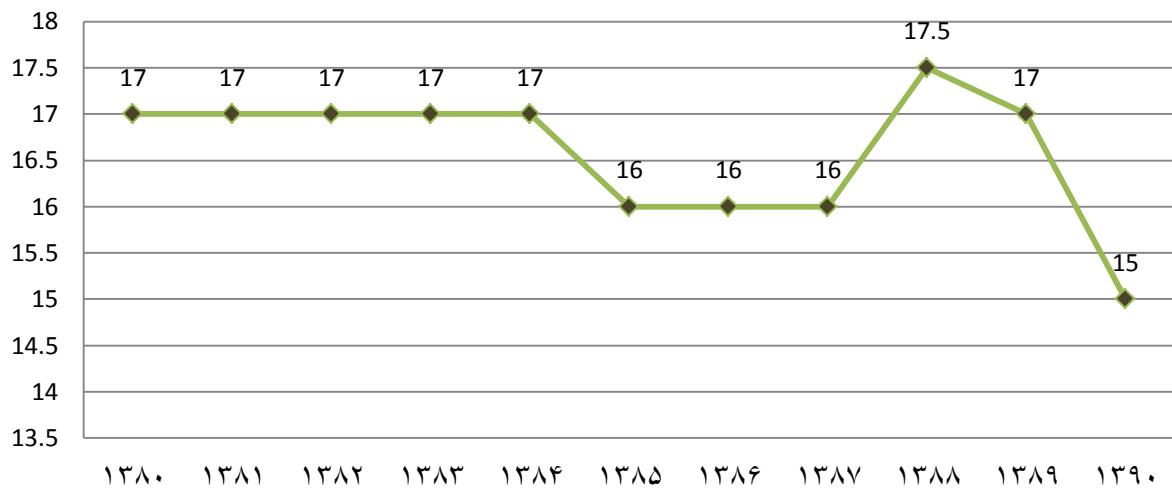
نرخ سود علی الحساب سپرده های بانکهای دولتی به سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت (درصد)



نرخ سود علی الحساب سپرده های بانکهای دولتی به سپرده سرمایه گذاری یک ساله (درصد)



نرخ سود علی الحساب سپرده های بانکهای دولتی به سپرده سرمایه گذاری پنج ساله (درصد)



بخش سوم - بررسی موضوع از طریق مطالعات میدانی

۳-۱ جامعه هدف، حجم نمونه و روش تحقیق

جامعه هدف در این مطالعه عبارتند از واحدهای تولیدی کل استان اصفهان که شامل گروه های مختلف و متنوع از جمله صنایع فولادی، غذایی، شیمیایی، نساجی و... بوده اند. در این راستا نزدیک به ۱۰۰۰ پرسشنامه برای واحدهای منتخب از طریق نمابر ارسال شد. که متساقته به دلایل مختلف که پیش از اجرای طرح هم قابل پیش بینی بود، تنها ۳۰ مورد از پرسشنامه ها تکمیل و بازگشت داده شد. همچنین با بیش از ۲۵۰ واحد تولیدی نیز از طریق مصاحبه حضوری و یا تلفنی مذاکره انجام شدو ۱۹۰ مورد پرسشنامه از این طریق تکمیل گردید. پرسشنامه طراحی شده جهت این امر، شامل ۱۰ سوال کوتاه در خصوص تغییر در حجم تولید، فروش، صادرات، قیمت تمام شده، قیمت فروش و... واحدها پس از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها و نیز دو سوال آزاد جهت کسب نظرات آنان در خصوص اثرات مثبت و منفی این طرح بوده است که در ادامه نمونه ای از آن آمده است.



اتاق بازرگانی
و صنایع و معادن اصفهان

با اسمه تعالی

اطلاعات واحد مورد بررسی

نام واحد تولیدی:

محصولات تولیدی:

ظرفیت اسمی واحد تولیدی:

سؤالات مربوط به تأثیر اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها

(بررسی شرایط کنونی واحد نسبت به کل سال ۱۳۸۹)

* حجم تولید

حجم تولید شما نسبت به قبل از اجرای طرح چند درصد کاهش یا افزایش داشته است؟

* میزان اشتغال

تعداد افراد شاغل در واحد شما نسبت به قبل از اجرای طرح چند نفر کاهش یا افزایش داشته است؟

* حجم فروش

حجم فروش محصولات شما نسبت به قبل از اجرای طرح چند درصد کاهش یا افزایش داشته است؟

* هزینه تمام شده تولید محصولات

هزینه تمام شده محصولات شما نسبت به قبل از اجرای طرح چند درصد کاهش یا افزایش داشته است؟

* قیمت فروش محصولات

قیمت فروش محصولات شما نسبت به قبل از اجرای طرح چند درصد کاهش یا افزایش داشته است؟

* صادرات

الصادرات محصولات شما به خارج از کشور نسبت به قبل از اجرای طرح چند درصد کاهش یا افزایش داشته است؟

* واردات

واردات محصولات مشابه تولیدی شما نسبت به قبل از اجرای طرح چند درصد کاهش یا افزایش داشته است؟

* مطالبات از مشتریان

مطالبات شما از مشتریان خود نسبت به قبل از اجرای طرح چند درصد کاهش یا افزایش داشته است؟

* استفاده از تسهیلات

آیا از تسهیلات حمایتی درنظر گرفته از سوی دولت در جهت کاهش اثرات منفی این طرح بر صنعت استفاده نموده اید؟

آیا آمادگی اجرای مرحله دوم طرح هدفمند یارانه ها را دارید؟

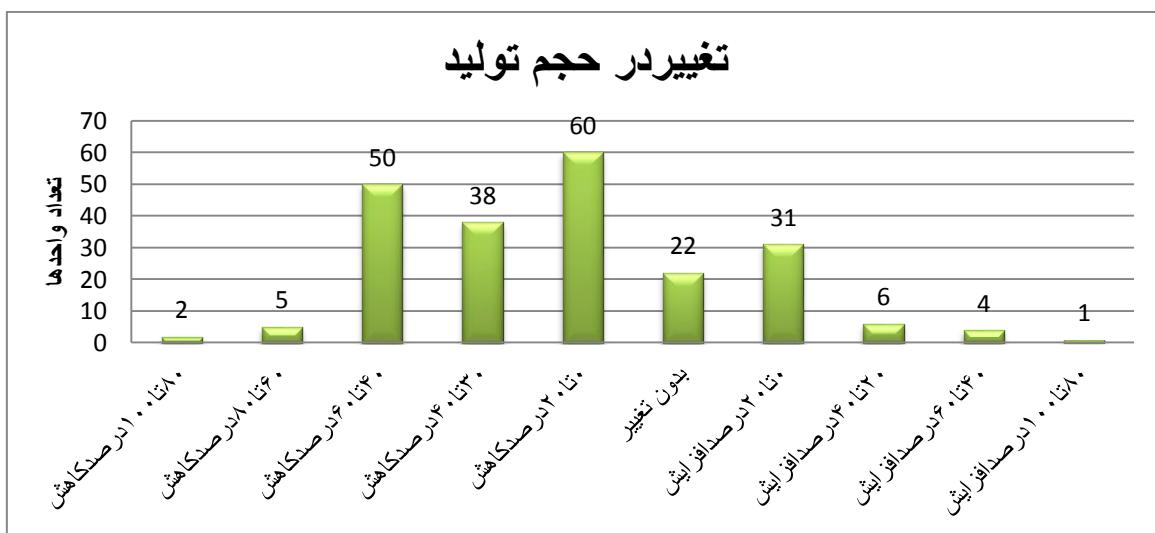
چه راهکاری را برای اجرای بهتر و مؤثرتر طرح هدفمند کردن یارانه ها در ارتباط با تولید و کسب و کار دارید؟

** خواهشمند است مهمترین اثرات مثبت و منفی اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها را بر تامین مواد اولیه، تولید، هزینه های جاری، بازاریابی، فروش، پیگیری مطالبات و... واحد تولیدی خود را ذکر فرمائید.

۲-۳ تغییر در حجم تولید واحدهای صنعتی

سوال اول پرسشنامه های توزیع شده در این طرح به تغییر در حجم تولید واحد مورد بررسی اختصاص داشت. بر اساس نتایج حاصله پس از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها ۷۱ درصد واحد ها با کاهش تولید و ۱۹ درصد با افزایش تولید مواجه شده اند و به طور متوسط واحد ها ۱۸.۵۱ درصد کاهش سطح تولید داشته اند.

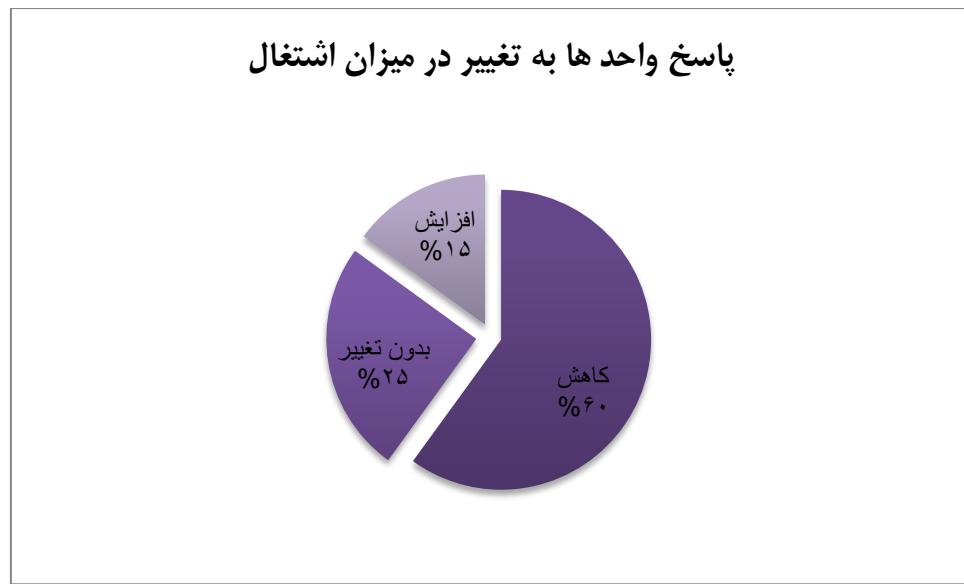
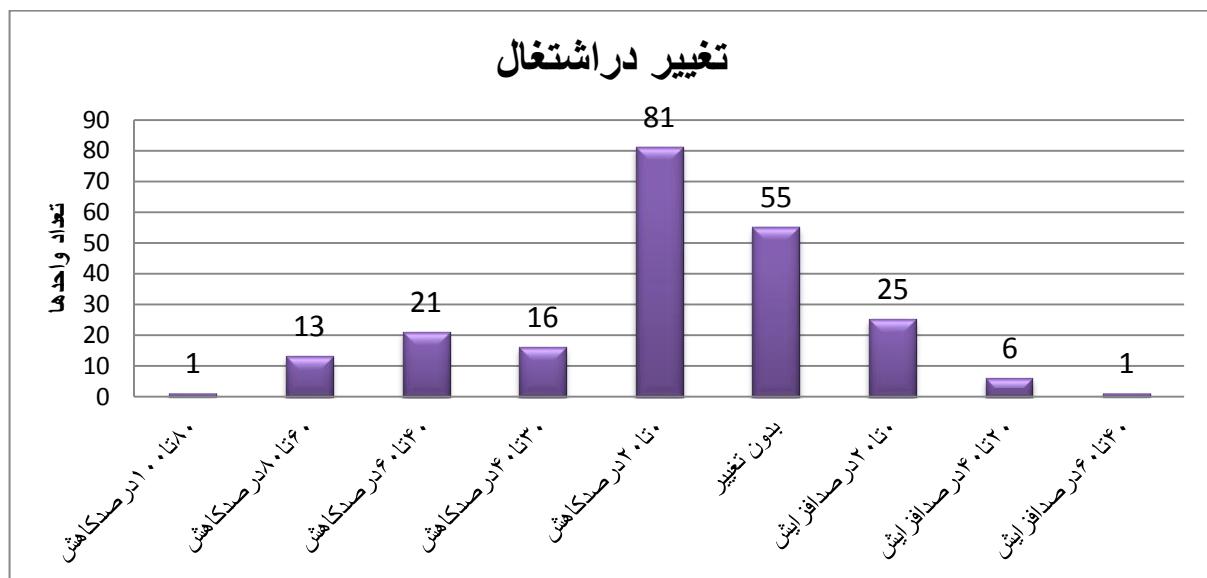
۲۱۹	تعداد نمونه آماری
میانگین تغییر در حجم تولید	-۱۸.۵۱ - درصد
کمترین مقدار	-۱۰۰ - درصد
بیشترین مقدار	۱۰۰ - درصد



۳-۳ تغییر در میزان اشتغال واحدهای صنعتی

در سوال دوم پرسشنامه ها، تغییر در میزان اشتغال واحدها مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نتایج حاصله پس از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها ۶۰ درصد واحدها کاهش سطح اشتغال نیروی کار مواجه بوده اند و ۲۵ درصد واحدها اشتغال خود را سطح قبلی حفظ کرده اند. واحدهای مورد بررسی به طور متوسط ۱۳.۷۲ درصد کاهش سطح اشتغال داشته اند.

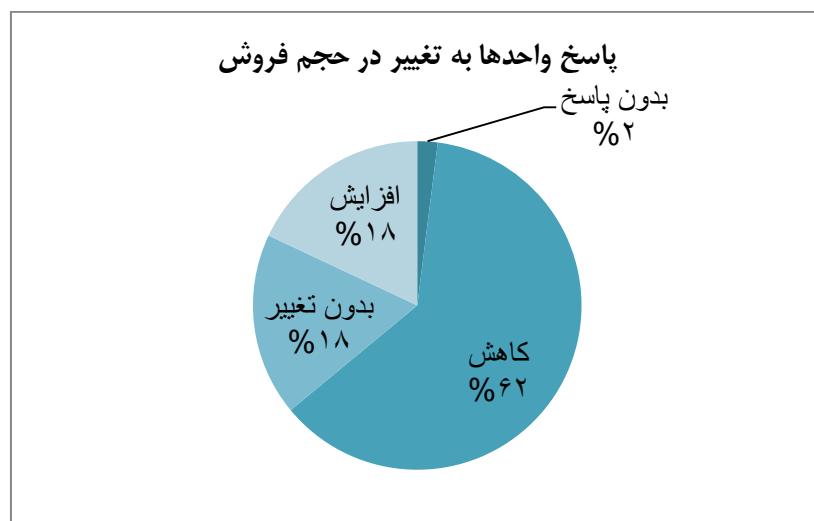
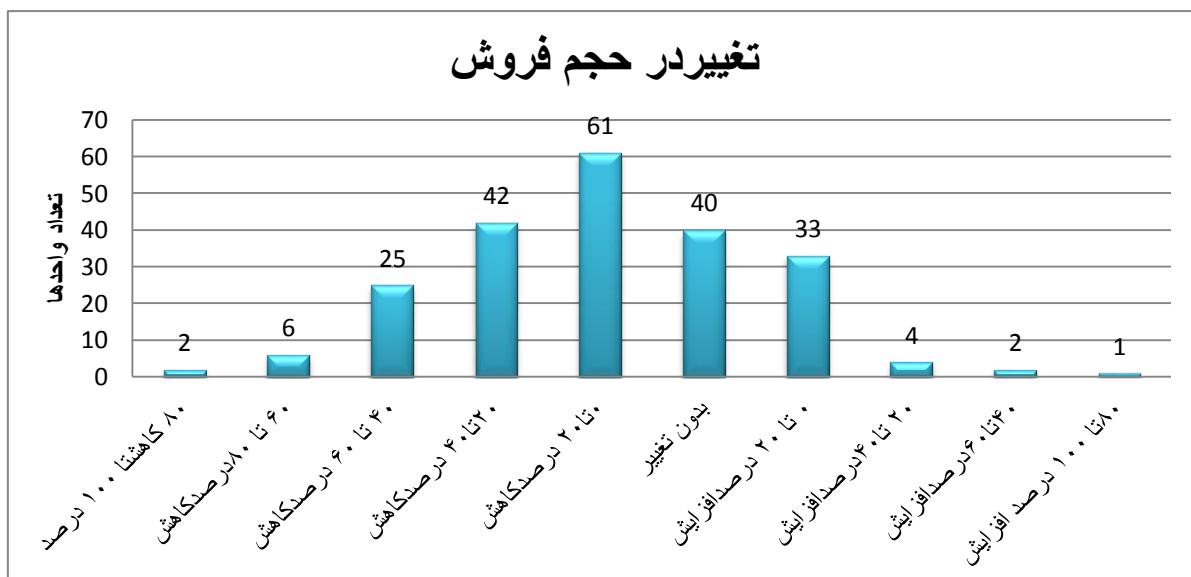
۲۱۹	تعداد نمونه آماری
۱۳.۷۲ - درصد	میانگین تغییر در اشتغال
۱۰۰ - درصد	کمترین مقدار
۵۰ درصد	بیشترین مقدار



۴-۳ تغییر در حجم فروش واحد های صنعتی

هدف از طرح سومین سوال در پرسشنامه ها، بررسی میزان تغییر در حجم فروش واحد های صنعتی بوده است. نتایج به دست آمده نشان می دهد پس از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها ۶۲ درصد واحد های بررسی شده با کاهش حجم فروش خود مواجه بوده اند و در مجموع واحد های منتخب این مطالعه با طور متوسط ۱۸.۹۱ درصد کاهش سطح فروش داشته اند.

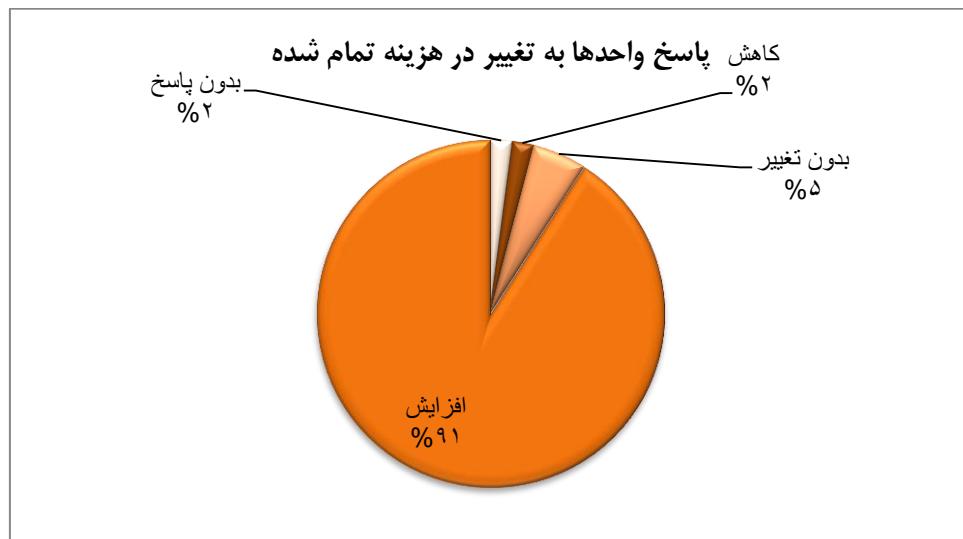
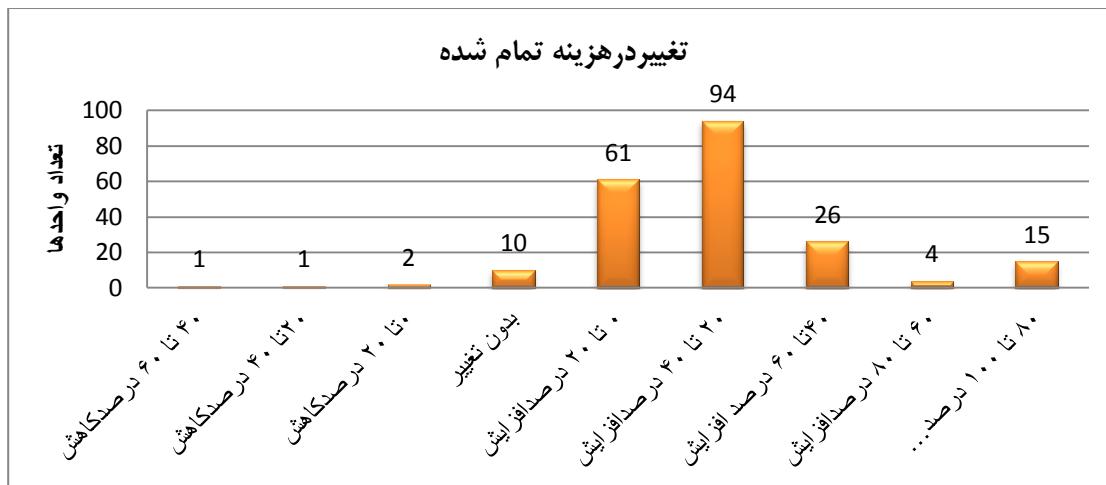
تعداد نمونه آماری	۲۱۹
میانگین تغییر در حجم تولید	-۱۸.۹۱ درصد
کمترین مقدار	-۱۰۰ درصد
بیشترین مقدار	۱۰۰ درصد



۳-۵ تغییر در هزینه تمام شده محصولات واحدهای صنعتی

در چهارمین سوال درصد تغییر در هزینه تمام شده تولید واحدهای صنعتی مورد پرسش قرار گرفت. ماهیت اصلی این طرح آزاد سازی قیمت حامل های انرژی و واقعی شدن قیمت تمام شده محصولات تولیدی واحدهای است. در نتیجه تمامی واحدهای مورد بررسی افزایش قیمت تمام شده محصولات تولیدی خود را اعلام کرده اند که این افزایش بین ۳ تا ۱۰۰ درصد بوده است. در این مطالعه میانگین افزایش قیمت تمام شده محصولات تولیدی برای واحدها ۳۰.۷۹ درصد بدست آمده است.

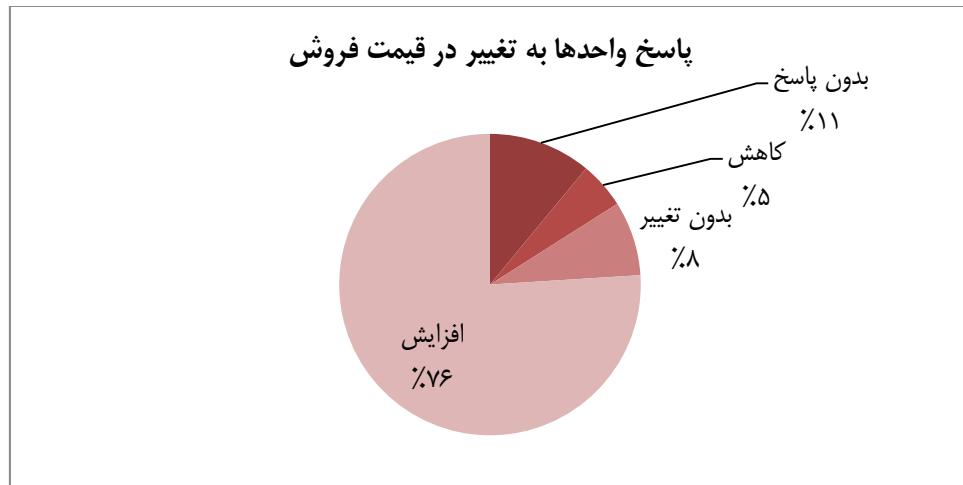
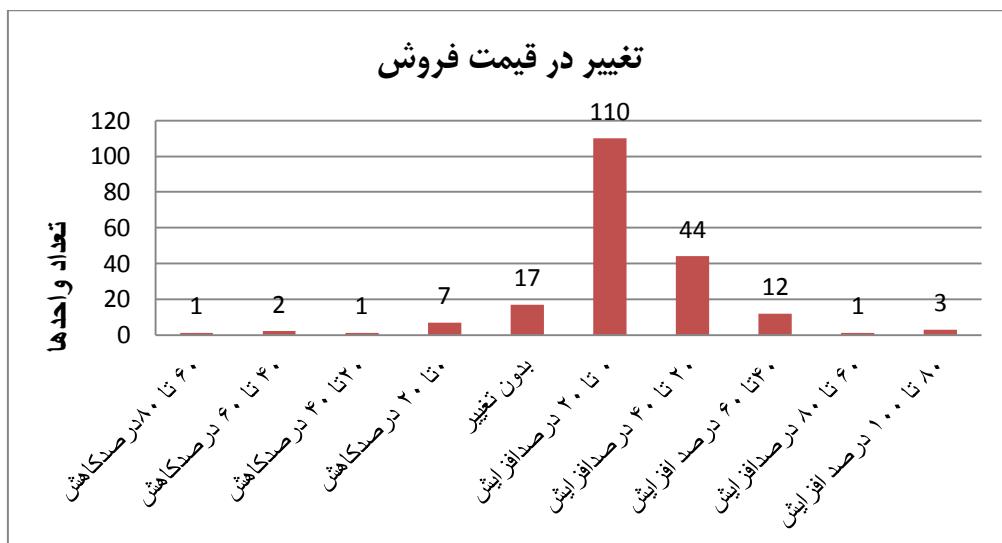
۲۱۹	تعداد نمونه آماری
۳۴۰.۱۴ درصد	میانگین تغییر در هزینه تمام شده
-۵۰ درصد	کمترین مقدار
۱۰۰ درصد	بیشترین مقدار



۳-۶ تغییر در قیمت فروش محصولات واحدهای صنعتی

موضوع سوال پنجم پرسشنامه طراحی شده بررسی میزان تغییر در قیمت فروش محصولات تولید شده بوده است. بعضی از واحدها به دلیل کمبود تقاضا قیمت فروش خود را تا ۷۰ درصد کاهش داده اند از سوی دیگر طبق اعلام دیگر واحدها علی رغم افزایش قیمت ها حتی تا ۹۰ درصد باز هم میزان این افزایش کمتر از افزایش قیمت تمام شده آن ها بوده است که البته برخی خود را در شرایط اجبار به این کار اعلام کرده اند. میانگین این افزایش قیمت طبق بررسی به عمل آمده ۱۸.۹۹ درصد بوده است.

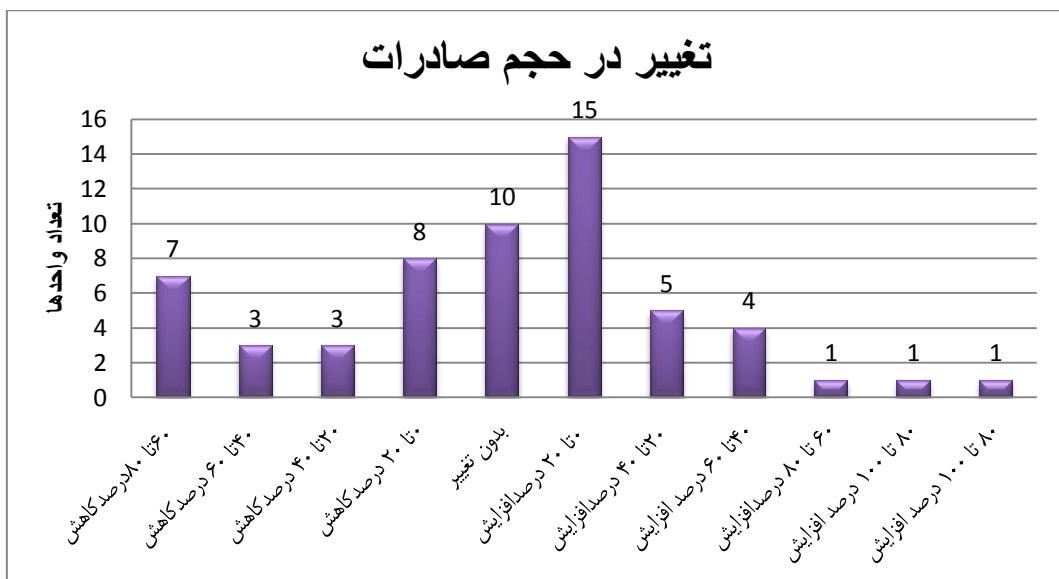
۲۱۹	تعداد نمونه آماری
۱۸.۹۹ درصد	میانگین تغییر در قیمت فروش
-۷۰ درصد	کمترین مقدار
۹۰ درصد	بیشترین مقدار



۳-۷ تغییر در حجم صادرات واحدهای صنعتی

سوال ششم در پرسشنامه ها، با هدف بررسی میزان اثرگذاری اجرای این طرح بر حجم صادرات واحدهای منتخب طراحی شده است. بر اساس پاسخ های داده شده به این سوال ۱۰ درصد واحدها پس از این قانون با کاهش حجم صادرات مواجه بوده اند و صادرات تعدادی از واحدها نیز به طور کامل قطع شده است. البته باید توجه داشت که تعدادی از واحدهای بررسی شده پیش از این هم محصول قابل رقابتی برای صادرات نداشته اند. بر اساس نتایج حاصله به طور متوسط ۲۴.۵۱ درصد از صادرات واحدهای بررسی شده کاسته شده است.

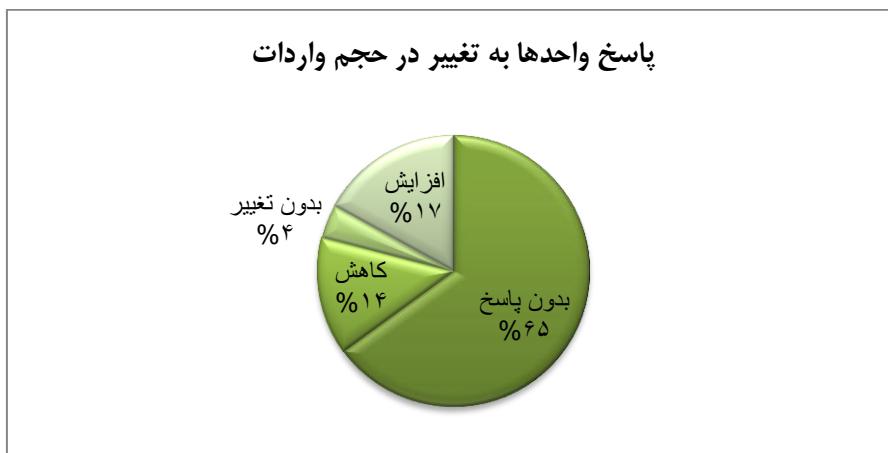
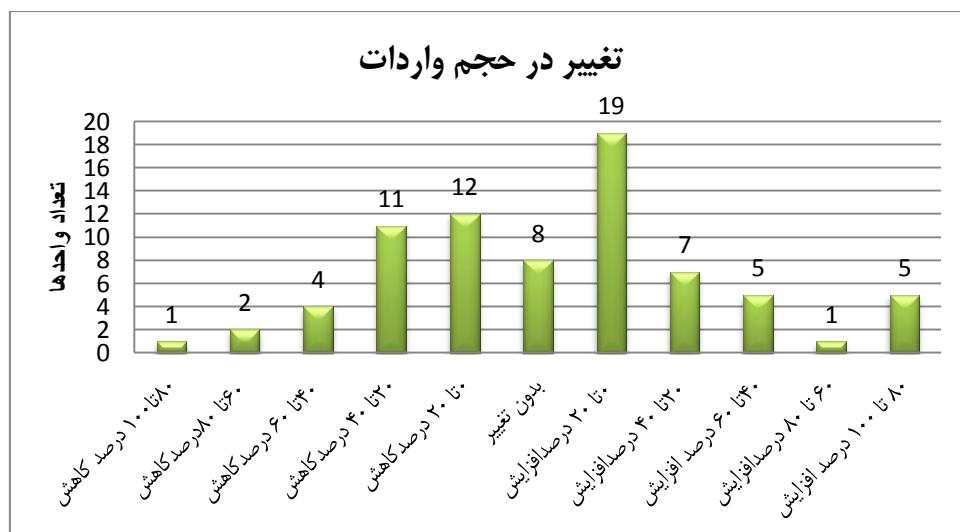
تعداد نمونه آماری	۲۱۹
میانگین تغییر در حجم صادرات	-۲۴.۵۱ - درصد
کمترین مقدار	-۱۰۰ - درصد
بیشترین مقدار	۱۰۰



۸-۳ تغییر در حجم واردات کالاهای مشابه تولید واحدهای صنعتی

قاعدتا کاهش حجم تولید و افزایش قیمت تمام شده منجر به افزایش قیمت محصولات تولیدی و کاهش توان رقابتی آن در مقایسه با کالاهای وارداتی می شود. هدف از طرح سوال هفتم در پرسشنامه ها، بررسی تغییر در حجم واردات کالاهای مشابه محصولات واحدهای مورد بررسی بوده است. بر اساس نتایج حاصله ۱۷ درصد از واحدها اعلام کرده اند که حجم واردات کالاهای مشابه آن ها افزایش داشته است و بسیاری از آن ها نیز از میزان واردات کالاهای مشابه بی اطلاع بوده و در نتیجه ۶۷ درصد واحدها این سوال را بی پاسخ گذاشته اند. البته باید توجه داشت که در ماه های اخیر به علت افزایش قیمت ارز مقداری از قدرت رقابتی کالاهای وارداتی کاسته شده است.

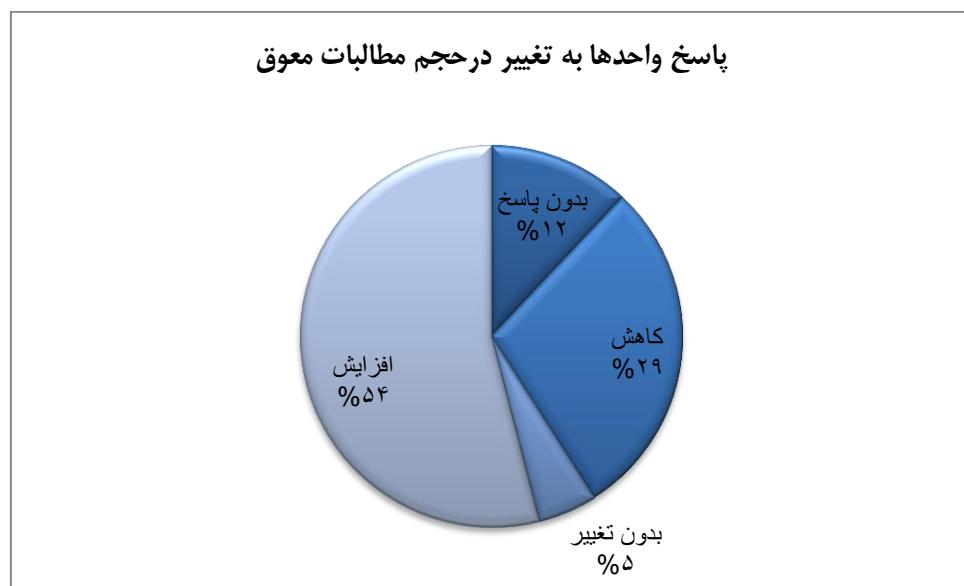
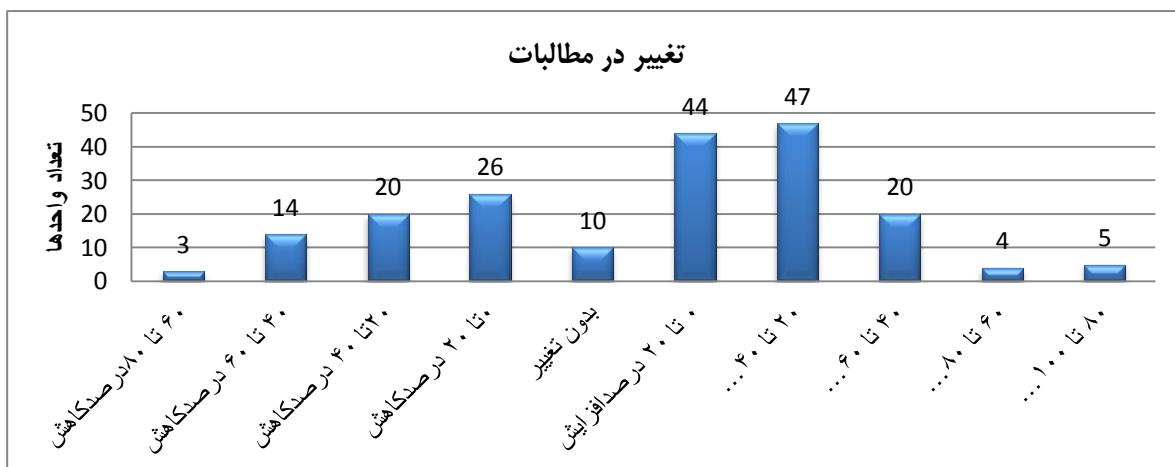
تعداد نمونه آماری	۲۱۹
میانگین تغییر در حجم واردات کالاهای مشابه	۸۴.۴۵ درصد
کمترین مقدار	-۱۰۰ درصد
بیشترین مقدار	۱۰۰ درصد



۹-۳ تغییر در حجم مطالبات عموق واحدهای صنعتی

سوال هشتم پرسشنامه های طراحی شده مربوط به تغییر در حجم مطالبات عموق واحدهای تولیدی بوده است. بر اساس نتایج به دست آمده ۵۴ درصد واحدهای تولیدی با افزایش در حجم مطالبات عموق خود از مشتریان روبه رو بوده اند که علت اصلی آن را نیز در مشکلات تامین نقدینگی و تولید و فروش مشتریان خود اعلام نموده اند. بر این اساس به طور متوسط واحدهای مورد بررسی پس از اجرای این قانون با ۱۰.۹۹ درصد افزایش در حجم مطالبات عموق خود مواجه شده اند. البته باید به این نکته هم توجه داشت که تعدادی از واحدها همزمان کاهش حجم تولید و فروش هم داشته اند که متغیر اثرگذاری برای قضاوت در مورد این موضوع است.

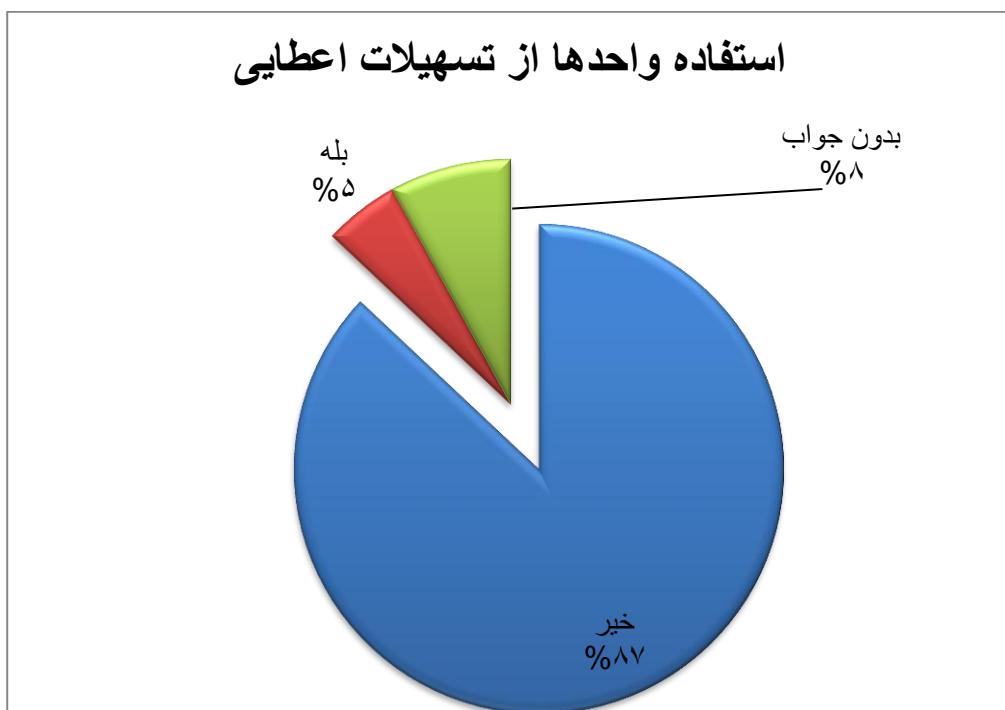
تعداد نمونه آماری	
۲۱۹	میانگین تغییر در مطالبات عموق
۱۰.۹۹ درصد	کمترین مقدار
-۸۰ درصد	بیشترین مقدار



۱۰-۳ استفاده از تسهیلات حمایتی در نظر گرفته از سوی دولت

بر اساس مفاد قانون هدفمند کردن یارانه ها، قسمتی از حذف یارانه حامل های انرژی در جهت حمایت از تولید کنندگان در نظر گرفته شده است. در این راستا در قسمت نهم پرسشنامه های توزیع شده استفاده یا عدم استفاده واحدهای مورد بررسی از این تسهیلات حمایتی دولت مورد سوال قرار گرفت. بر اساس نتایج به دست آمده تنها ۱۲ واحد از این تسهیلات استفاده نموده اند که به طور متوسط به میزان ۷٪ بر روی قیمت تمام شده آنها تأثیر گذاشته است و می توان گفت ۸۷ درصد واحد ها یا تمایلی به استفاده از این تسهیلات نداشته اند و یا موفق به دریافت آن نشده اند.

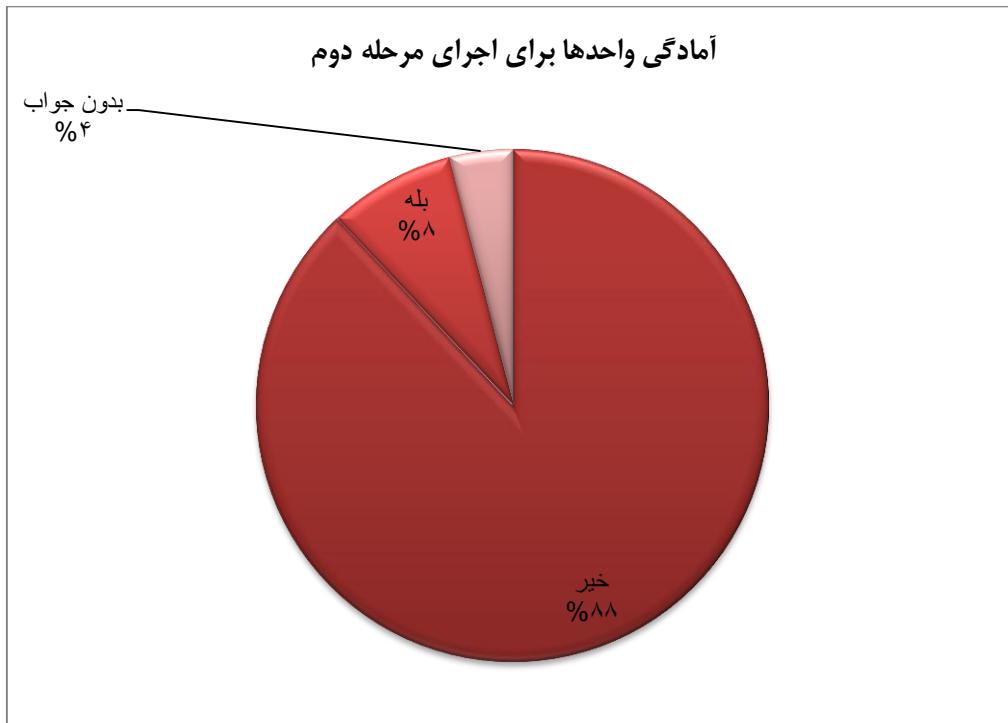
۲۱۹	تعداد نمونه آماری
۱۲	استفاده از تسهیلات
۱۹۰	عدم استفاده از تسهیلات
۱۷	بدون پاسخ



۱۱-۳ اعلام آمادگی واحدها برای اجرای مرحله دوم طرح هدفمند کردن یارانه ها

در سؤال دهم آمادگی واحدها برای اجرای مرحله دوم طرح هدفمند کردن یارانه ها پرسیده شد که نزدیک به ۸۸ درصد اعلام عدم آمادگی نمودند و برعی اعلام آمادگی در صورت حمایت های مالی کردند.

تعداد نمونه آماری	۲۱۹
آمادگی برای اجرای مرحله دوم	۱۷
عدم آمادگی برای اجرای مرحله دوم	۱۹۴
بدون پاسخ	۸



جدول خلاصه بررسی آماری شاخص های مورد مطالعه در موضوع آثار طرح هدفمندی یارانه ها بر فعالیتهای صنعتی
استان اصفهان در سال ۱۳۹۱

ردیف	شرح سؤال مطروحه از واحدهای صنعتی	تعداد نمونه آماری	میانگین تغییر	کمترین مقدار تغییر	بیشترین مقدار تغییر
۱	تغییر در حجم تولید واحدهای صنعتی	۲۱۹	۱۸.۵	۱۰۰ درصد کاهش	۱۰۰ درصد افزایش
۲	تغییر در میزان استغال واحدهای صنعتی	۲۱۹	۱۳.۷۲	۱۰۰ درصد کاهش	۵۰ درصد افزایش
۳	تغییر در حجم فروش واحدهای صنعتی	۲۱۹	۱۸.۹۱	۱۰۰ درصد کاهش	۱۰۰ درصد افزایش
۴	تغییر در هزینه تمام شده محصولات واحدهای صنعتی	۲۱۹	۳۴.۱۴	۵۰ درصد افزایش	۱۰۰ درصد افزایش
۵	تغییر در قیمت فروش محصولات واحدهای صنعتی	۲۱۹	۱۸.۹۹	۷۰ درصد افزایش	۹۰ درصد افزایش
۶	تغییر در حجم صادرات واحدهای صنعتی	۲۱۹	۲۴.۵۱	۱۰۰ درصد کاهش	۱۰۰ درصد افزایش
۷	تغییر در حجم واردات کالاهای مشابه تولید واحدهای صنعتی	۲۱۹	۸.۴۵	۱۰۰ درصد افزایش	۱۰۰ درصد افزایش
۸	تغییر در حجم مطالبات عموق واحدهای صنعتی	۲۱۹	۱۰.۹۹	۸۰ درصد کاهش	۱۰۰ درصد افزایش

ردیف	شرح سؤال مطروحه از واحدهای صنعتی	تعداد نمونه آماری	استفاده از تسهیلات	عدم استفاده از تسهیلات	بدون پاسخ
۱	استفاده از تسهیلات حمایتی درنظر گرفته از سوی دولت	۲۱۹	۱۲	۱۹۰	۱۷

ردیف	شرح سؤال مطروحه از واحدهای صنعتی	تعداد نمونه آماری	آمادگی برای مرحله دوم	عدم آمادگی برای مرحله دوم	بدون پاسخ
۱	اعلام آمادگی واحدها برای اجرای مرحله دوم یارانه ها	۲۱۹	۱۷	۱۹۴	۸

۱۲-۳ پیامدهای اقتصادی

پیامدهای اقتصادی هدفمند کردن یارانه‌ها به لحاظ وجود لایه‌ها متنوع و متفاوت بوده برخی عوارض آن در بخش تولید که ناشی از همراه نشدن صنعت با خانوار در زمینه عدم اخذ یارانه اختصاصی خود به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱- افزایش قیمت نهاده‌های تولید.
- ۲- ظهور وبروز تورم و هزینه نهاد تولید.
- ۳- احتمال افزایش تقاضای کل.
- ۴- افزایش هزینه دولت در مصرف انرژی.
- ۵- دوران تورمی و کاهش تولیدات.
- ۶- کاهش دارائی‌های صاحبان درآمدهای متغیر.
- ۷- انتقال هزینه‌های تحمیل شده طبقات بالای درآمدی به دیگران.
- ۸- توزیع مجدد درآمد و دریافتی‌های نسبی.
- ۹- روی آوردن به مشاغل و فعالیت‌های غیر استاندارد.

۱۳-۳- اعلام نظر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

براساس اعلام بانک مرکزی شاخص بهای تولیدکننده در یازده ماه نخست سال ۹۰ ۳۵.۷ درصد نسبت به دوره مشابه سال پیش افزایش نشان می‌دهد؛ این بدین معناست که - به طور میانگین - شاخص هزینه‌های تولیدکننده از آغاز فروردین سال ۹۰ تا پایان بهمن همین سال، ۳۵.۷ درصد نسبت به همین دوره در سال ۸۹ افزایش نشان می‌دهد. انتشار گزارش شاخص هزینه‌های تولیدکننده پس از اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها آغاز شد، ولی بانک مرکزی، تنها در سه ماه نخست سال، به انتشار آمار مربوط به شاخص هزینه‌های تولیدکننده پرداخت و پس از ماه سوم اجرای این طرح، گزارشی از انتشار آمار یاد شده دیده نشد، تا اینکه بانک مرکزی، سکوت یک ساله خود را شکست. بنا بر آمار گذشته‌ای که بانک مرکزی منتشر کرده بود، در ماه نخست پس از هدفمندی یارانه‌ها (دی ۸۹) شاخص هزینه‌های تولیدکننده، رشد ۳۱ درصدی داشته و در ماه سوم نیز شاخص هزینه‌های تولیدکننده، افزایش ۳۴ درصدی را به نمایش گذاشته است. حال آن که بر پایه آمار جدید بانک مرکزی، شاخص هزینه‌های تولیدکننده در دی ۹۰، رشد ۲۱.۹ درصدی را نسبت به دی ماه سال ۸۹ داشته است. این گزارش همچنین آورده است، در حالی شاخص هزینه‌های تولیدکننده در دی ۱۳۹۰ به میزان، ۲۱.۹ درصد نسبت به دی ۸۹ تغییر کرده که شاخص هزینه‌های تولیدکننده در دی ۸۹ نسبت به دی ۸۸ رشد ۳۱ درصدی داشته است؛ به این معنا که شاخص هزینه‌های تولیدکننده در دی ۹۰ نسبت به دی ۸۸ از رشد ۲۵.۹ درصدی برخوردار بوده است؛ بنابراین، اگر بخواهیم هزینه‌های تولیدکننده را پس از هدفمندی یارانه‌ها محاسبه کنیم، همین دو آمار کافی است. نخست این که در ماه اول اجرای این طرح (دی ۸۹)، شاخص هزینه‌های تولیدکننده ۳۱ درصد افزایش یافته، حال آن که (دوم) در دی ماه ۹۰ این شاخص نسبت به دی ۸۹، ۲۱.۹ درصد افزایش یافته است. به این ترتیب، این دو آمار نشان می‌دهد که تقریباً با اجرای طرح هدفمندی، هزینه‌های تولیدکنندگان، می‌توان زیان بالای تولیدکنندگان از مقایسه افزایش نزدیک ۵۰ درصدی هزینه‌های تولیدکننده در کنار رشد قیمت محصولات تولیدی، می‌توان زیان بالای تولیدکنندگان از افزایش هزینه‌هایشان را دید. بر پایه دانسته‌های مرکز آمار، شاخص هزینه‌های کالایی مصرف کنندگان در طول مدت اجرای هدفمندی، افزایش ۴۲ درصدی داشته است؛ بنابراین، می‌توان ۴۲ درصد برای رشد درآمد تولیدکنندگان در نظر گرفت؛ ۴۲ درصد رشد درآمد در کنار رشد ۵۰ درصدی هزینه‌های تولیدکنندگان نشان از ضرر تولید دارد. بیان ساده‌تر، از آنجا که تولیدکنندگان، توان افزایش قیمت‌های محصول - بنا بر افزایش هزینه‌های خود - را ندارند، عملاً از ناحیه افزایش هزینه‌های خود متضرر می‌شوند؛ بنابراین، نه تنها سودی نبرده‌اند، بلکه احتمال ورشکستگی و تعطیلی آنها نیز هست؛ چیزی که رکود تورمی موجود اقتصاد ایران، آن را تأیید می‌کند. البته اجازه افزایش قیمت‌ها بر پایه هزینه‌های تولید نیز راه درستی نیست، چرا که راه درست آن است که ابزار کاهش قیمت‌ها با مبتنی کردن تولید بر تحقیق و توسعه بومی فراهم شود. در غیر این صورت، با افزایش هزینه‌های تولید، بنچار قیمت‌ها افزایش یافته و نیروی کار بیرون می‌رود؛ بنابراین، نه تنها هیچ دستاورث مثبتی به دست نمی‌آید، بلکه این رکود تورمی است که به اقتصاد ایران هدیه داده می‌شود.

۱۴-۳ راهکارهایی برای اجرای بهتر و مؤثر تر طرح هدفمند کردن یارانه‌ها از دید واحدهای منتخب

در سؤال‌های تشریحی پرسشنامه سوالی برای واحدهای منتخب با موضوع راهکارهایی برای اجرای بهتر و مؤثر تر طرح هدفمند کردن یارانه‌ها بر واحد تولیدی آنان مطرح شده است که پاسخ‌های آنها به شرح ذیل می‌باشد:

- ✓ اعطای وام کم بهره
- ✓ ثبات قیمت‌ها
- ✓ مرخصی پرداخت اقساط
- ✓ ثابت نگه داشتن نرخ ارز و دلار
- ✓ ثابت نگهدارشتن قیمت مواد وارداتی
- ✓ پرداخت یارانه‌های آب و برق و گاز قبل از اجرا
- ✓ کاهش نرخ مواد اولیه
- ✓ کاهش نرخ حامل‌های انرژی
- ✓ ارزان کردن خدمات دولتی
- ✓ در راستای صادرات نرخ ارز آزاد باشد
- ✓ افزایش ساخت و ساز
- ✓ تشکیل کارگروه‌های تخصصی هر صنعت جهت اختصاص منابع حاصل از هدفمندی یارانه‌ها
- ✓ توسعه حمل و نقل ریلی
- ✓ اجرای مرحله به مرحله و حمایت از توسعه زیر ساخت‌ها
- ✓ برداشتن مالیات بر ارزش افزوده از روی تولید
- ✓ حمایت از صادرات فرآورده‌های نفتی
- ✓ انجام حمایت‌های مصوبه مجلس توسط دولت
- ✓ جلوگیری از ورود محصولات خارجی
- ✓ اجازه ورود تکنولوژی به داخل از کشور بدون حقوق و عوارض گمرکی
- ✓ بازار یابی از طریق سفارتخانه‌ها در خارج از کشور و تبلیغ محصولات داخلی
- ✓ گردش بموقع ژول در بازار کار
- ✓ مدیریت صحیح
- ✓ به تعویق انداختن اجرای مرحله دوم

۱۵-۳ اثرات مثبت و منفی اجرای قانون از دید واحدهای منتخب

در بخش آخر پرسشنامه سوالی باز برای واحدهای منتخب با موضوع مهمترین اثرات مثبت و منفی اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها بر واحد تولیدی آنان مطرح شده است. مهمترین اثرات منفی و مثبت بیان شده از سوی واحدها به ترتیب اهمیت و تاکید آن ها در ذیل آمده است:

۱. کاهش کارگر، تولید، قدرت خرید مردم، میزان فروش و صادرات و واردات
۲. افزایش بهای مواد اولیه، هزینه های جاری، هزینه های تولید، قیمت مواد مصرفی، بیکاری پرسنل، نرخ محصول و تورم
۳. بدليل ضعیف شدن تولید کنندگان محصولات وارداتی چینی بسیار پر طرفدار شده است.
۴. افزایش قیمت سوخت و بالا رفتن هزینه حمل و نقل
۵. نارضایتی کارکنان از حقوق دریافتی
۶. احتکار مواد اولیه در انبار ها
۷. فشار حوزه های مالیاتی و تأمین اجتماعی
۸. عدم وصول مطالبات
۹. عدم توانایی رقابت با بازار خارجی
۱۰. عدم توانایی در افزایش قیمت بدليل کمبود بودجه مردم
۱۱. بی اعتمادی در بازار

اثرات مثبت

- ✓ دقت در خرید و فروش و شناسایی بازار هدف
- ✓ بالا رفتن روحیه کارگران
- ✓ صرفه جویی در حامل های انرژی
- ✓ جلوگیری از سوءاستفاده های اقتصادی
- ✓ افزایش بهره وری
- ✓ توسعه نیروی انسانی
- ✓ اصلاح ساختارهای مالی

بخش چهارم - تحلیل اثرات اجرای قانون هدفمند کردن بارانه‌ها

۴-۱ تاثیرات کوتاه و میان‌مدت بر قیمت و عرضه کالاها

در واقع درک دقیق تاثیر افزایش هزینه‌های تولید بر «درآمد خالص» تولیدکننده (که معیار نهایی ارزیابی رفاه است) مستلزم تفکیک دو مفهوم مهم است: حاشیه سود (Mark Up) و حجم فروش. ممکن است فروشنده قادر باشد تا با افزایش قیمت محصول حاشیه سود واحد فروش خود را در سطح قبلی یا نزدیک به سطح قبلی حفظ کند ولی افت حجم فروش نهایتاً می‌تواند درآمد خالص او را کم کند، به این ترتیب فروشنده هم در کنار خریدار از افزایش قیمت نهاده‌های تولید متضرر می‌شود.

۴-۱-۱ رفتار صنعت: انتقال هزینه‌ها به مصرف‌کننده (Cost Pass Through)

یک سوال جدی در ادبیات اقتصاد صنعتی این است که شوک‌های هزینه تولید (ناشی از افزایش جهانی قیمت مواد اولیه مثل فولاد یا افزایش هزینه واردات قطعات یدکی در اثرات شوک‌های نرخ ارز) تا چه حد به قیمت فروش نهایی منتقل می‌شود؟ مطالعات متعددی در مورد کالاهای مختلف انجام شده و متغیرهایی مثل ساختار بازار، همگن بودن محصول، سهم هزینه کالای گران شده، هزینه تغییر منوی قیمت و عادات مصرف را در توضیح شدت و سرعت انتقال موثر دانسته‌اند.

ترکیب رقبا در تعیین انتقال قیمت کلیدی است. اگر صنعت ایرانی در حال رقابت با رقبای خارجی باشد و نرخ ارز هم ثابت بماند یا با شبیب ملایمی رشد کند، افزایش هزینه‌های تولید به قیمت ریالی صرفا باعث ورشکستگی بخشی از صنایع داخلی شده و قیمت بازار کالا برای مصرف‌کننده را تغییر نمی‌دهد. در نتیجه شرکت‌های ضعیفتر صنایعی مثل لوازم الکترونیک، نساجی و پوشاک و مواد غذایی لوکس چون با حضور گسترده رقبای خارجی در بازار ایران مواجه هستند، عملاً قدرت تطبیق قیمت را نخواهند داشت و باید دست به کاهش تولید یا خروج از بازار بزنند. افزایش هزینه‌های ریالی تولیدکنندگان ایران در این حالت فقط سهم بازار را به نفع رقبای خارجی تغییر داده و تقاضا برای ارز را هم افزایش خواهد داد.

سهم انرژی از هزینه‌های تولید در شدت این رفتار موثر است. با رجوع به سهم مستقیم سبد انرژی از قیمت تمام شده صنایع مختلف می‌بینیم که به غیر از صنعت حمل و نقل که به وضوح با افزایش اساسی هزینه مواجه خواهند شد، بخش‌هایی مثل آهن و فولاد و مواد شیمیایی با حدود ۱۰ درصد افزایش مستقیم هزینه‌ها بیش از بقیه بخش‌ها تحت تاثیر قرار خواهند گرفت. در مقابل بخش خدمات و صنایع الکترونیک کمترین تأثیرپذیری مستقیم را خواهند داشت. این درصد‌ها البته مربوط به هزینه مستقیم است و تأثیری که صنعت در کل از افزایش قیمت تمامی نهاده‌های ورودی خود (مثل حمل و نقل) خواهد پذیرفت را در بر ندارد. اگر صنعت با رقابت خارجی مواجه نباشد و بیش تر بازار داخل در اختیار تولیدکنندگان داخلی باشد (مثلاً مواردی مثل سیمان، مصالح ساختمانی، بستنی و لبندی و نوشیدنی‌ها، محصولات چوبی و مبلمان غیرلوکس، فرش ماشینی و بخشی از محصولات کشاورزی فاسد شدنی) در این صورت شوک هزینه مستقیم به بازار مصرف منتقل شده و در عوض سطح تولید کم می‌شود. به عبارت دیگر در این صنایع عرضه کم شده (کاهش استفاده از ظرفیت یا ورشکستگی برخی شرکت‌ها) و قیمت برای مصرف‌کننده نهایی افزایش پیدا می‌کند. البته میزان انتقال هزینه به مصرف‌کننده بستگی به ساختار رقابتی صنعت در داخل کشور دارد. اگر صنعت کاملاً رقابتی باشد (مثل لبندی) انتقال هزینه به مصرف‌کننده ۱۰۰ درصد خواهد بود یعنی به ازای هر ریال افزایش قیمت نهاده‌های تولید، قیمت محصول نهایی یک ریال افزایش پیدا می‌کند (البته این افزایش ممکن است به مقداری زمان نیاز داشته باشد). اگر صنعت به وضعیت انحصار یا رقابت انحصاری نزدیک‌تر باشد انتقال قیمت یک به یک نخواهد بود چرا

که تولیدکننده بخشی از افزایش هزینه را از طریق کاهش حاشیه سود و کاهش سطح تولید جذب می‌کند و به این ترتیب شوک بین تولیدکننده و مصرفکننده تسهیم خواهد شد. صنعت سیمان نمونه‌ای برای این وضعیت است.

در کنار ساختار رقابت عادت‌های رفتاری مصرفکنندگان مهم است. برای بازارهای بدون رقابت خارجی، هر قدر نمودار تقاضا کشش کمتری داشته باشد بخش بزرگ‌تری از هزینه به مصرفکننده منتقل می‌شود و لذا صنعت حاشیه سود خودش را با درجه بیشتری حفظ می‌کند. در بازار انحصاری و حالت حدی که کالا کاملاً بی‌کشش باشد (یعنی مصرفکننده هیچ واکنشی به افزایش قیمت نشان ندهد) تمام افزایش هزینه تولید یک به یک به مصرفکننده منتقل می‌شود. در حالتی که کشش بیش از این مقدار حدی صفر باشد، افزایش هزینه بین مصرفکننده و تولیدکننده سرشکن می‌شود که معنی آن افزایش قیمت کالا در بازار (کاهش رفاه مصرفکننده) و کاهش حاشیه سود تولیدکننده (کاهش رفاه تولیدکننده) است. به این ترتیب در مورد صنایع مثل خودرو و پتروشیمی و سیمان که موقعیت شبه انحصاری دارند یا در بازارهای رقابت دو گانه تولید می‌کنند احتمالاً بخشی از هزینه‌ها به بازار کالا منتقل و بخشی از طریق کاهش سودآوری شرکت‌های تولیدکننده جبران می‌شود.

۲-۱-۴ رفتار مصرفکنندگان: تقاضای مصرفکنندگان

علاوه بر رفتار صنعت، تاثیری که افزایش قیمت‌ها و انتقال نقدی به مصرفکنندگان بر جای می‌گذارد در تعیین قیمت و تولید نهایی شاخه‌های مختلف صنعتی موثر است. از زاویه تغییر در تقاضا، این که گروه هدف درآمدهای دولت چه کسانی باشند اهمیت کلیدی پیدا می‌کند. براساس اطلاعات موجود احتمال قابل توجهی وجود دارد که این کمک به چند دهک اول جامعه منتقل شود. در این صورت باز توزیعی به نفع اقشار پایین‌تر صورت می‌گیرد که روی تقاضای دهک‌های بالا و پایین برای کالاهای گوناگون تاثیرات متفاوتی می‌گذارد. این تقاضا خود در دو بخش تقاضا برای کالاهای بادوام (عمدتاً اتومبیل) و کالاهای مصرفی قابل بررسی است.

هزینه بالای انرژی مطلوبیت کاربری ناشی از نگهداری کالای بادوام را کم می‌کند و این به کاهش تقاضا برای این نوع محصولات منجر می‌شود. همچنین با توجه به افزایش قیمت حقیقی (و نیز قیمت نسبی) کالاهای یارانه‌ای و ثابت ماندن نسبی خط بودجه خانوارهای پنج دهک بالا (با صرف نظر از اثرات ناشی از رکود صنعتی)، طبعاً تقاضای آنها برای محصولات دیگر خارج از شمول طرح یارانه‌ها نیز کاهش می‌یابد. خصوصاً اگر به این نکته دقت شود که کشش قیمتی تقاضای بسیاری از کالاهای آزادسازی شده در کوتاه‌مدت بسیار پایین است. به عنوان مثال مصرفکنندگان نمی‌توانند به سرعت فاصله بین محل سکونت و کار خود یا الگوی گرم‌کردن منزل را به یکباره تغییر دهند. در نتیجه حداقل در کوتاه‌مدت سطح مصرف انرژی کمایش ثابت خواهد بود و هزینه خانوار برای این کالاهای افزایش یافته و مانده درآمد برای کالاهای دیگر کم می‌شود. به عنوان مثال خانواده‌ها ممکن است هزینه کمتری برای تفریح (سفر و رستوران)، خدمات بهداشتی غیرفوری (مثلاً بهداشت دهان و دندان)، مبلمان و تعمیر و بهسازی مسکن و تعمیر خودرو بپردازند که به معنی کاهش تقاضا برای محصولات و خدمات این بخش‌ها است. احتمالاً بخش تفریح و سفر با بیشترین نرخ سقوط تقاضا رو به رو خواهد شد چرا که اثر افزایش قیمت انرژی روی هزینه‌های این بخش نزدیک به ۴۰ درصد و بسیار قابل توجه است. در صورتی که نهادهای آزادسازی شده بخش عمده‌ای از هزینه تولید این نوع کالاهای را تشکیل ندهد و تولیدکنندگان به دلایلی مجبور باشند تا برای مدتی در صنعت باقی بمانند (مثلاً به علت مقررات بازار کار) ممکن است در کوتاه‌مدت با مازاد طرفیت و لذا «کاهش» قیمت برخی از این محصولات رو به رو شویم. در بلندمدت این اثر خود را به شکل خروج بخشی از شرکت‌ها از صنعت و بازگشت به قیمت‌های تعادلی نشان خواهد داد.

وضعیت تقاضای دهک‌های پایین تا حدی متفاوت خواهد بود. این گروه از مصرفکنندگان از یک طرف با افزایش قیمت حقیقی برخی از کالاهای سبد مصرف مواجه شده و از طرف دیگر خط بودجه آنها به دلیل پرداخت‌های نقدی نیز تا حدی ارتقا پیدا خواهد کرد. طبعاً چون

قیمت نسبی کالاهای آزادسازی شده بالاتر رفته است حتی اگر پرداخت نقدی صورت گرفته درست به اندازه تفاوت قیمت قبلی و جدید باشد، مصرف در سطح قبلی قرار نمی‌گیرد و کم می‌شود (اثر جانشینی) ولی مازاد بودجه ایجاد شده (اثر درآمدی) می‌تواند منجر به افزایش تقاضا برای کالاهای پایه‌ای دیگری مثل مواد غذایی و پوشاك و بهداشت ارزان قیمت شود. به این ترتیب صنایعی که کالاهای و خدمات مورد نیاز اقشار با درآمد پایین‌تر را تولید می‌کنند می‌توانند در انتظار تقاضای قوی‌تری در آینده باشند. البته برای کامل بودن این تصویر باید اثر کاهش تولید در بخش‌های صنعتی روی سطح اشتغال و دستمزد نیروی کار (خصوصاً نیروی کار غیر ماهر و نیروی کار بخش کشاورزی) را نیز در تصویر مساله وارد کرد.

۴-۲ تأثیرات بلندمدت

با توجه به این که در بلندمدت امکان تحول در فناوری تولید وجود دارد تأثیرات دیگری ظهور می‌کند که می‌تواند متفاوت از تأثیرات کوتاه مدت باشد. مطالعاتی که در آمریکا انجام شده نشان می‌دهد که جهش قیمت نفت در کوتاه‌مدت باعث افزایش بیکاری و در بلندمدت باعث کاهش آن می‌شود که از همان اثر جانشینی کار و سرمایه انرژی بر ناشی می‌شود.

برای تحلیل مساله در یک چارچوب ساده فرض می‌کنیم که سطح تولید به سه عامل سرمایه، انرژی و نیروی کار بستگی دارد و تقاضا برای ترکیب بهینه فناوری تولید تابع قیمت نسبی این سه عامل (در مقایسه با قیمت محصول نهایی به عنوان شاخص) است. وقتی قیمت انرژی بالا برود تقاضا برای مصرف انرژی و فناوری‌های انرژی بر پایین آمده و در عوض برای دو عامل دیگر زیاد می‌شود. ضمن این که چون در بسیاری از صنایع، انرژی عامل مکمل سرمایه است، افزایش قیمت انرژی بهره‌وری نهایی سرمایه را هم کاهش می‌دهد. تغییر در قیمت‌های نسبی و بهره‌وری نهایی عامل‌ها باعث شکل‌گیری ترکیب جدیدی برای نسبت بین کار و سرمایه و انرژی در صنایع کشور می‌شود.

یکی از اولین و نزدیک‌ترین این تغییرات، افزایش سرمایه‌گذاری روی تجهیزاتی است که بهره‌وری مصرف انرژی در صنعت را زیاد می‌کند (تغییر به سمت افزایش سهم سرمایه و کاهش سهم انرژی). در نگاه اول ممکن است به نظر برسد که افزایش قیمت انرژی می‌تواند منجر به افزایش جدی تقاضا برای نیروی کار هم بشود. ولی در نقطه تعادل این که افزایش هزینه انرژی تا چه حد تقاضا برای نیروی کار را زیاد کند به ساختار فناوری تولید و مورد مصرف انرژی در صنعت بستگی دارد. اگر انرژی بیشتر جنبه حرارتی یا شیمیایی داشته باشد (مثلاً صنعت مس یا سیمان یا مفتول سازی و الخ) در این صورت به نظر نمی‌رسد تقاضای گستره‌های برای نیروی کار ایجاد شود و بیشتر به سمت افزایش در سرمایه‌های دارای بهره‌وری بالای مصرف انرژی حرکت خواهد شد (مثلاً کوره‌هایی با تلفات حرارتی کمتر). در مقابل اگر انرژی کارکرد مکانیکی داشته باشد (مثلاً برای حمل و نقل کالا یا پردازش در بخش کشاورزی) افزایش قیمت انرژی، تقاضا برای نیروی کار را بیشتر می‌کند. هر چند که در اینجا هم همچنان رقابت بین جایگزین کردن سرمایه و نیروی کار به جای انرژی وجود خواهد داشت. مثلاً افزایش قیمت برق برای بخش کشاورزی، ممکن است باعث روی آوردن به فناوری‌های تولید برق از طریق باد یا انرژی خورشیدی در مزارع بزرگ شود.

۳-۴ سایر ابعاد سیاست‌گذاری

۱-۳-۴ تامین مالی سرمایه کاری

همان طور که در مقدمه اشاره شد، افزایش قیمت نهاده‌های تولید (نقدینگی لازم برای حفظ موجودی مواد اولیه) در کوتاه‌مدت فشار مهمی را به سطح بهینه سرمایه کاری (Working Capital) و نقدینگی شرکت‌های صنعتی وارد می‌کند. ضعف نظام بانکداری خصوصی و نبود بازار اوراق قرضه شرکتی در ایران عواملی هستند که این مساله را تبدیل به یک بحران جدی برای صنایع (خصوصاً صنایع انرژی‌بر) می‌کنند. نبود نقدینگی برای تامین مواد اولیه (در غیاب مکانیسم‌های تامین مالی کوتاه‌مدت) ممکن است باعث شود تا صنعتی که حتی به لحاظ فناوری تولید وضعیت مناسبی داشته است در عمل دچار صفر شدن جریان نقدی شده و جریان تولید آن متوقف شود. البته در یک بازار سرمایه عمیق و فعال چنین مساله‌ای دور از ذهن است؛ چرا که شرکت می‌تواند با قرض کوتاه‌مدت مساله نقدینگی را حل کند، ولی با توجه به محدودیت‌های مهمی که در بازار تامین مالی ایران وجود دارد احتمال وقوع این مشکل کاملاً جدی است.

۲-۳-۴ بیمه‌های بیکاری

کاهش ظرفیت تولید کارخانه‌ها به تبع کاهش تقاضا برای نیروی کار (خروج و افت استخدام) را به دنبال خواهد داشت. بخشی از کاهش تقاضا موقت بوده و از طریق فعل شدن صنایع دیگر و افزایش سهم نیروی کار در فناوری تولید جبران خواهد شد. با این همه این جبران به چند سال زمان نیاز دارد. به همین دلیل بخشی از منابع ناشی از آزادسازی قیمت‌ها به طور مشخص به تامین مالی صندوق‌های حمایتی و بیمه بیکاری اختصاص یابد تا از شدت انتقال فشار به کارگران بیکار شده و احتمال بروز بحران‌های اجتماعی کاسته شود.

۳-۴ تامین مالی بهینه‌سازی فناوری

علاوه بر سرمایه کاری، شرکت‌ها و مصرف‌کنندگان نیازمند منابع مالی برای اجرای طرح‌های بهسازی مصرف انرژی و آب در میان‌مدت خواهند بود. بازگشت به موارد گفته شده در بند قبلی، نبود سرمایه لازم برای اجرای این نوع طرح‌های بهینه‌سازی، باعث می‌شود تا فشار افزایش هزینه به صورت یک به یک به مصرف‌کننده یا تولیدکننده منتقل شود و اصولاً بخشی از مزایای طرح که مربوط به انتخاب بهینه فناوری تولید است در زمان لازم اتفاق نیافتد. تجربه کشورهای دیگر نشان می‌دهد که وجود نهادهایی مثل صندوق‌های تامین مالی بهینه‌سازی انرژی باعث می‌شود تا هم سطح انطباق مصرف‌کنندگان (صنعتی و خانگی) به فناوری جدید افزایش یابد و هم طرفین در یک بازگشت مالی مناسب شریک شوند. با توجه به این که در لایحه پیش‌بینی شده که ۱۵ درصد منابع حاصله برای بهینه‌سازی فرآیندها اختصاص یابد منابع لازم برای این صندوق‌ها می‌تواند از این محل تامین شود.

۴-۳-۴ ابزارهای مدیریت ریسک

وجود قیمت دولتی ثابت برای نهاده‌هایی مثل آب و انرژی بخشی از ریسک‌های هزینه تولید را از بنگاه‌ها حذف می‌کرد. پیامد آزادسازی قیمت، تبعیت قیمت فروش این محصولات از قیمت‌های روز جهانی است که مقدار آن روز به روز تغییر می‌کند. شرایط جدید بنگاه‌ها را با سطح جدیدی از ریسک مواجه می‌کند و لذا اهمیت معرفی ابزارهای پوشش ریسک (Hedging) مثل قراردادهای آتی و اختیارات روی نهاده‌هایی مثل انرژی را تشدید می‌کند. هم‌اکنون چارچوب قانونی مناسبی برای عرضه گسترده این نوع ابزارهای مالی در ایران وجود ندارد و لذا تولیدکنندگان مجبورند از روش‌های جایگزین هزینه‌برتر (مثل استفاده از پوشش ریسک طبیعی) برای مدیریت ریسک استفاده کنند.

فعال کردن بازار این قراردادها پیش از آزادسازی قیمت‌ها، امکان مبادله ریسک بین عامل‌های مختلف و در نتیجه کاهش احتمال ورشکستگی و بحران در شرکت‌های در معرض ریسک بالا (High Risk Exposure) را فراهم می‌کند.

۴-۳-۵ زمان‌بندی اجرا

آزادسازی قیمت‌ها می‌تواند معطوف به مصرف‌کننده نهایی (مثل هزینه بنزین خودروهای شخصی یا آب و برق منازل) و یا مصرف‌کننده صنعتی و یا هر دو باشد. اگر قیمت برای هر دو بخش به طور همزمان آزاد شود، بخش مهمی از تولیدکنندگان صنعتی هم با کاهش تقاضا از طرف مصرف‌کنندگان و هم با فشار هزینه‌ای مواجه می‌شوند. آزادسازی مرحله‌ای و فاصله‌دار می‌تواند اثرات این شوک‌ها برای بخش‌های صنعتی را تا حدی کاهش دهد. اگر قیمت در مرحله اول به صورت تدریجی فقط برای مصرف‌کنندگان خانگی آزادسازی شود و بعد در یک فاصله دو تا سه ساله قیمت فروش برای صنایع در یک روند بالا رود فرستاد کافی به صنایع برای تطبیق تدریجی داده می‌شود.

۴-۳-۶ سال ۱۳۹۱ و تولید

اینکه نگاه طرح هدفمندی به بخش تولید چگونه خواهد بود و اینکه آیا منابعی که طبق قانون هدفمندی باید به تولید اختصاص یابد، عملی خواهد شد یا اینکه باز هم این منابع در آن مسیر قرار نخواهد گرفت، مواردی است که می‌تواند بر وضعیت اقتصاد کشور در سال ۹۱ تاثیر گذار باشد. به طور کلی جهت گیری برای قضاوت در این مساله این است که اگر در تولید نوسازی انجام نشود که این مساله می‌تواند در قالب اعطای وام و تسهیلات به تولیدکنندگان خصوصی و دولتی باشد تا این طریق بتوانند تکنولوژی جدید وارد و اقدام به نوسازی با اهداف افزایش تولید کنند. نتیجه این اقدام آن خواهد بود که سطح قیمت‌ها افزایش یابد که در این صورت باید انتظار داشته باشیم که تورم بالا رود. این مسله را از طریق دیگری هم می‌شود تحلیل کرد و آن اینکه ممکن است در طرح هدفمندی یارانه‌ها آن چیزی که از آن با عنوان اجرای فاز دوم نام می‌برند، می‌تواند به کسری بودجه دولت دامن بزند. چراکه تا الان که ما شاهد اجرای فاز یک این طرح بوده‌ایم، دولت به سختی توانسته این منابع را با قرض گرفتن از جاهای مختلف تأمین و پرداخت کند. اما اگر در همین حال بخواهد اقدام به اجرایی کردن فاز دوم هم کند که منجر به بیشتر شدن تعهداتش نسبت به گیرندگان منابع طرح هدفمندی شود، مشخص است که به کسری بودجه دامن زده خواهد شد. برای نمونه سال ۹۱ دولت حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان به مردم از این محل پرداخت کرده است که اگر با اجرایی کردن فاز دوم این طرح در سال آینده بخواهد تعهدات خودش را بیشتر کند، طبیعی است که به کسری بودجه دامن می‌زند و در نتیجه باید منتظر افزایش تورم نیز باشیم. وضعیت کسب و کار مورد دیگری است که در اقتصاد داخلی ما در سال آینده می‌تواند تاثیر گذار باشد. اهمیت این مساله از آن جهت است که اگر وضعیت کسب و کار روان نباشد و یا دارای مشکلاتی باشد، خود به خود این توجه وضعیت بنگاه‌های اقتصادی و نرخ بیکاری و نرخ رشد اقتصادی تاثیر گذار خواهد بود. از جمله مواردی که در این راستا باید به آن توجه شود، وضعیت سیستم بانکی است که در حال حاضر دچار مشکلات اساسی است و ناتوان از این‌ایقای نقش خود در اقتصاد ایران است. مثلاً این سیستم‌ان را مواجه با معوقات سنگین ۵۰ هزار میلیارد تومانی است و از سوی دیگر این سیستم بانکی در موقعیتی نیست که بتواند به مقاضیان جدید سرمایه گذاری وام جدید بدهد. بنابراین چنین وضعیتی به زیان اقتصاد کشور خواهد بود و آن را به سمت اقتصاد رکودی می‌برد. بنابراین یافتن راه حلی برای بازسازی سیستم بانکی کشور مساله‌ای فوق العاده ضروری است. چنانچه شاهد بودیم در بحران جهانی اقتصاد یکی از اولین اقداماتی که کشورهای مختلف در این راستا انجام دادند، اجرای طرح نجات ملی اقتصاد بود که در آن عده توجه شان به بانک‌ها بود. واقعیت این است که وقتی بانک‌ها با چنین حادثی مواجه می‌شوند، دیگر نمی‌توانند به کارکرد اصلی خودشان ادامه دهند. البته مشکلات بانکی از جنبه دیگر هم قابل توجه است و آن شوکی است که بعد از اختلاس بزرگ در کشور به وجود آمد. این مساله باعث شد که روحیه سختگیری سیستم بانکی نسبت به گذشته افزایش یابد که این مساله هم خود به رکود وضعیت اقتصاد ما دامن زده است. اگر دولت برای نجات سیستم بانکی طرح مناسبی بدهد، قاعده‌تا می‌تواند خیلی تاثیر گذار باشد. پارامترهای دیگری که در وضعیت کسب و کار می‌تواند تاثیر گذار باشد، بالا بودن نرخ بیکاری است. نکته دیگر اینکه ما در سال جاری با رشد ۵٪ درصدی در پروندهای ساختمانی مواجه بودیم که در واقع ناشی از اجرای طرح مسکن مهر بود. اما واقعاً معلوم نیست که در سال آینده این وضعیت بتواند ادامه داشته باشد. البته به باور من در صورت تداوم این روند، باز هم مشکل در سیستم بانکی به تشید خواهد شد زیرا عمدتاً منابع بانک‌ها به سمت مسکن مهر هدایت شده بود. یکی دیگر از مسائلی که در اقتصاد ایران مهم ارزیابی می‌شود بالا رفتن تعداد چک‌های برگشته ۴۰

است که خود این مساله نشان می دهد مشکلاتی در فضای کسب و کار و مسایل مالی کشور به وجود آمده است . به عبارت دیگر در صد چک های برگشته هم اکنون نسبت به سال های گذشته حدوداً دو برابر شده و این مساله ای نگران کننده است. در حال حاضر واقعیت این است که میزان واردات کالا و خدمات ما چیزی حدود هشتاد میلیارد دلار است. به عبارت دقیق تر حدود ۶۰ میلیارد دلار آن برای واردات کالا و حدود ۲۰ میلیارد دلار آن برای خدمات هزینه می شود. معنای این سخن این است که اقتصاد ایران تا حد زیادی وابسته به واردات شده است. بنابراین بایستی هوشیار بود که مشکلات ارزی و یا مشکلات گشايش اعتبارهای اسنادی مشکلاتی برای واحدهای تولیدی ایجاد نکند. با توجه به اینکه گفته می شود حدود هفتاد، هشتاد درصد واردات ما، کالاهای وابسته است مساله بسیار مهمی است. به عبارت دیگر ما باید راهکارهایی را اتخاذ کنیم که تولید ایران به سمت نهاده هایی برود که بیشتر از درون خودش تامین می شود و نیاز به واردات را کمتر کند. مورد دیگر چگونگی استفاده از منابع صندوق توسعه ملی است که این مساله می تواند در اقتصاد سال آینده موثر واقع شود. در سال پیش رو، ۲۳ درصد از منابع درآمدهای نفتی ما قرار است که به این صندوق اختصاص داده شود. به علاوه اینکه هنوز مقداری از منابع این صندوق در سال جاری موجود است. بنابراین موجودی صندوق توسعه ملی در سال پیش رو، مبلغ قابل توجهی خواهد بود. اما نکته ای که در این میان اهمیت دارد این است که بر اساس جهت گیری برنامه پنجم، منابع این صندوق باید در اختیار توسعه سرمایه گذاری های بخش خصوصی و نه دولتی قرار بگیرد. اگر این اتفاق بیفتد، می تواند در ایجاد رونق در وضعیت رکودی که فعلاً به آن مبتلا هستیم، در سرمایه گذاری ها و افزایش نرخ اشتغال موثر واقع شد. اما اگر این جهت گیری به نوعی باشد که به سمت نیازهای دولتی برود متنها به شکلی که بتوان از این منابع استفاده کند، ممکن است که چنین اتفاق نیفتند. مجتمع جهانی این رشد را بین ۳/۴ درصد تا ۳/۴ درصد پیش بینی کرده اند. اما باید توجه شود که این رقم نسبت به پیش بینی های سال جاری که بین ۲ و نیم درصد تا ۲/۹ درصد بود، بالاتر رفته است. در واقع می توان گفت که این یک علامت مثبت برای اقتصاد کشور هست. البته مراکز داخلی رشد اقتصاد ایران را به مراتب بالاتر از ارقام جهانی پیش بینی می کنند. وضعیت تورم در ایران مورد دیگری است که در این راستا باید مورد توجه قرار بگیرد. تورم هم در صادرات ما تاثیر گذار است به این دلیل که اگر تورم بالا رود، ممکن است رقابت پذیری کالای داخلی برای صادرات کاهش یابد. از سوی دیگر نیاز بودجه ای دولت و بنگاه های اقتصادی به پول ممکن است افزایش پیدا کند. سازمان های بین المللی تورم ایران را بین ۱۲ تا ۱۵ درصد پیش بینی کرده اند که به نظر می رسد طبق پیش بینی هایی که در داخل کشور شده، این رقم به مراتب بالاتر از این میزان خواهد بود. یعنی الان نرخ تورم بانک مرکزی چیزی کمتر از ۲۱ درصد است. علامت های دیگری هم که وجود دارد نشان دهنده روند رو به کاهش تورم نیست. بنابراین اگر از این زاویه نگریسته شود احتمالاً در سال آینده نیز باید شاهد نرخ رشد افزایش تورم باشیم. این هم از مسائلی است که تاثیر گذار خواهد بود و می تواند هزینه تمام شده تولید را افزایش دهد اما به دلیل دیگر اتفاقاتی که در حوزه ارز و سکه و همچنین سیستم بانکی افتاده است شاید دولت مجبور باشد که میان بد و بدتر، بد را انتخاب کند. رشد صادرات ایران را در سال ۲۰۱۲ سازمان های بین المللی منفی اما واردات را با رشد مثبت اعلام کرده اند. در سال آینده به دلایل مختلف باید به سمت کاهش واردات برویم. بنابراین به نظر می رسد که رشد واردات باید در سال آینده رو به کاهش داشته باشد. اما در مورد صادرات هم ۲ بخش وجود دارد. یک بخش صادرات نفتی و بخش دیگر صادرات غیر نفتی است که هر دوی اینها متأثر از اقتصاد جهانی خواهند بود. فضایی که الان در کشوریه وجود آمده چنین ایجاب می کند . به طور کلی مشکلات اداری که در تخصیص ارز و نوسانات قیمت ارز به وجود آمده است، اقتصاد ایران را به سمتی می برد که در سال آینده کاهش واردات کاهش یابد. مسائل دیگری هم وجود دارد که می تواند در اقتصاد ایران سال آینده به میزان کمتری تاثیر گذار باشد. بنابراین باید اهداف مشخصی از هر تصمیم و سیاست گذاری تعیین و به سادگی بیان شود. مثلاً در مورد سود بانکی اگر نگاه مان سمت و سوی آن چیزی باشد که عدالت محوری نامیده می شود یک فضایی ترسیم می کند که انگار همه مردم یک سهمی از تسهیلات بانکی باید داشته باشند. در حالی که اگر با چنین نگاهی به مسائل نگریسته شود، آن وقت به تولید کشور دیگر سهمی از این تسهیلات نخواهد رسید. بنابراین باید آن بخش هایی که در اقتصاد ما اولویت بالاتری دارند بتوانند از تسهیلات برخوردار شوند اما اگر عمدۀ نیازها به سمت نیازهای رفاهی سوق پیدا کند، ممکن است که ما را به نتیجه خیلی خوبی نرساند. به نظر می رسد اگر دولت در همین چارچوب بیندیشید در این صورت مسئولان اقتصادی و دولت با یکدیگر همسو خواهند شد. در حال حاضر ما شاهد نوعی ناسازگاری های درونی در دولت در مورد تصمیم گیری های اقتصادی هستیم که نشان دهنده برخوردار نبودن این تصمیمات از انسجام لازم است. در صورتی که این مساله حل شود، به نظر می رسد بسیاری از مشکلاتی که اکنون شاهدش هستیم، می تواند مرتفع شود. یکی از مسائلی که در اقتصاد کشور ما در سال آینده می تواند آثار مهمی داشته باشد نوع رابطه ما با کشورهای دیگر است. به نظر می رسد در سال آینده رابطه ما با برخی کشورها بهتر و با برخی دیگر بدتر شود. البته این سوالی است که بیشتر باید مسئولان سیاست خارجی به آن پاسخ دهند. اما آنچه که می شود حدس زد این است که یکی از تنش هایی که در حوزه سیاست خارجی وجود دارد، اختلافاتی است که میان ما با

کشورهای پنج به علاوه یک وجود دارد و به احتمال زیاد اصلی ترین مشکل ما در همین بخش خواهد بود. اما اگر با کشورهایی که مشکل خاصی با اقتصاد ما ندارند از قبیل چین، روسیه، هند، ترکیه و برخی کشورهای دیگر می‌توان این روابط را توسعه داد و برخی کاستی‌ها را از این طریق جبران کرد. اگر دولت به حرکت مستمر کسب و کار توجه داشته باشد و یک فضایی ایجاد شود که مردم راحت بتوانند در آن کار، کسب درآمد و سرمایه‌گذاری کنند و همچنین تقویت تولید داخلی به طوری که بتواند نهادهای خود را از داخل جامعه تامین کند، خود به خود نتیجه کار از آن بحث اجتماعی که مورد اشاره شما قرار داشت، جدا نخواهد بود.

۷-۳-۴ جمع‌بندی

صنعت ایران پس از اجرای طرح اصلاح یارانه‌ها با برخی فشارها صرفاً از طرف تقاضا و هزینه‌های تولید مواجه گردیده است. به طور قطع ادامه این روند باعث خواهد شد تا بخشی از صنایعی که صرفاً به دلیل غیرواقعی بودن سهم انرژی در هزینه‌های آنان قدرت رقابت داشتند از گردونه رقابت حذف شوند. نکته مهم ماجرا این است که عملیاتی شدن کامل طرح به چهار تابیخ سال زمان نیاز دارد و صنعت در این فاصله مقداری زمان دارد تا اصلاحات و تطبیق‌های لازم را انجام دهد. اما مسلم است سطح وشدت رقابت در بازار به گونه‌ای نیست تا اقتصاد بازار صیرکند تا تولید کننده ایرانی خود را به رقبا برساند. تولید کننده ایرانی هم از نظر رشد تکنولوژی تولید امکانات و داشت رقبا را ندارد. از سوی دیگر با تحریم‌های نا جوانمردانه نیز مواجه است. بنابراین سیاست‌گذار می‌تواند با استفاده از ابزارهایی مثل نرخ ارز و گسترش بازار مالی تامین نقدینگی در گرداش با نرخ مناسب، استمهال بدھیهای قبلی بانکی، بخشودگی‌های مالیاتی، جلوگیری از واردات بی رویه تا حدی این شوک‌ها را تضعیف کرده و فرصت بیشتری به صنایع ایرانی برای تطابق با وضعیت جدید فراهم کند.

شرایط حاضر طوری است که چنانچه بخواهیم با کاهش نقدینگی از رشد تورم جلوگیری کنیم، با کاهش حجم پول به علت کاهش تولید و در نتیجه کاهش اشتغال، افزایش بیکاری تشید می‌شود که برای کشوری که بیشتر متقاضیان جویای کار آن را جوانان تحصیلکرده تشکیل می‌دهند، مشکل زاست. از طرف دیگر اگر بخواهیم با اعمال سیاست‌های انساطی باعث افزایش تولید و در نتیجه افزایش اشتغال و کاهش بیکاری شویم، سطح عمومی قیمت‌ها بالا رفته و در نتیجه با تورم روپرتو هستیم. بنابراین برای کاهش نرخ تورم و مهار نقدینگی باید طوری برنامه ریزی کرد که اقتصاد کشور مولد شود.

هم اکنون بخش خدمات درصد قابل توجهی از تولید ناخالص ملی کشور را بر عهده دارد و سهم بخش تولید از اقتصاد کشور ناچیز است و همین امر، دولت را به سمت واردات سوق می‌دهد که این تازه اول مشکلات است. چراکه بخشی از تورم موجود در کشورمان ناشی از تورم وارداتی است. این روزها افزایش واردات به ده میلیارد دلار کالاهای مصرفی و ساخته شده در سال خود گویای این واقعیت بوده که به همین میزان از قدرت تولید داخلی کاسته شده و موج واردات کالاهای مصرفی خارجی بر کاهش تولید داخلی تاثیرگذار بوده و زمینه تعطیلی برخی واحدهای تولیدی و بیکاری کارگران آنان را فراهم کرده است.

لذا اگر بتوانیم تولید داخلی را رونق داده و کمتر به واردات کالاهای و خدمات از کشورهای دیگر فکر کنیم، علاوه بر رونق تولید و اشتغال، تورم داخلی هم کمتر می‌شود که مستلزم برنامه‌ای بلندمدت می‌باشد. سیاست‌هایی که به جای واردات کالاهای مختلف با حمایت همه جانبه از تولید کننده داخلی به سمت خودکفایی به پیش رفته و با کاهش واردات و کاهش نرخ بیکاری از اتلاف منابع مالی و انسانی بیش از این جلوگیری به عمل می‌آورد. درنتیجه برای حل معضل بیکاری باید اجازه داد ساماندهی نیروی کار با اراده خود بخش خصوصی و کارگران انجام شود و مسوولان نیز با سیاست‌گذاری‌های اقتصادی به سمت تولید حرکت و فضا را نیز طوری ساماندهی کنند که امنیت برای نیروی کار و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی برای خروج از چرخه بحران سرمایه‌گذاری و اشتغال ایجاد شود که با توجه به نرخ بالای بیکاری و جمعیت جوان (که امروزه اکثرشان را فارغ التحصیلان دانشگاهی تشکیل می‌دهند) هر روز نیز به تعداد آنها افزوده می‌شود.

شود. لذا در این شرایط اگر دولتمردان دهم می خواهند در آینده از نرخ بیکاری بکاهند؛ فقط و فقط یک راه دارند و آن سیاست های تولید محور با کمک بخش خصوصی است.

یکی از دلایل وضعیت وخیم تولید در ایران فضای کسب و کار نه چندان مناسب در کشور است. بهبود فضای کسب و کار در تعریف کلی باعث می شود که عوامل خارج از کنترل مدیران بنگاه ها که به منظور ثائیرگذاری بر فعالیت اقتصادی عمل می کنند، در جهت بهبود کسب و کار عمل کنند.(یعنی وجود ثبات در سیاستگذاری ها...) این شاخص از آن جهت اهمیت دارد که نشان دهنده چگونگی حرکت و روند کشور و شرایط رقابت جهانی در زمینه ایجاد فضای مناسب برای سرمایه گذاری و تجارت است. چراکه طبق تجربیات دیگر کشورها، کشوری که در شاخص فضای کسب و کار بهبود مناسبی پیدا می کنند، اندکی بعد در فضای اقتصاد جهانی و رشد اقتصادی و رفاه ملی نیز به پیشرفت های خیره کننده ای دست می یابند. لذا آنچه مسلم است اصلاح فضای کسب و کار و بهبود شاخص های مزبور در عرصه جهانی نه تنها گامی مثبت و اساسی در جهت تقویت جنبه مشارکت بخش خصوصی در عرصه اقتصاد، ارتقای سطح اشتغال و تولید در کشور محسوب می شود، بلکه به طور قطع نمادی مهم برای استقبال سرمایه گذاران خارجی برای ورود به کشور و ارتقا و تسهیل جریان ورود فناوری به کشور به شمار می رود.

۴-۴ پیشنهادات و توصیه های سیاست گذاری

- تعیین تکلیف سریع واجرای دقیق وعادلانه بسته حمایتی دولت از تولید قبل از بحرانی تر شدن وضعیت صنایع داخلی.
- ایجاد صندوق حمایت از تولید به صورت استانی با مشارکت بخش خصوصی و تامین منبع مالی آن از طرق صندوق توسعه ملی وارایه تسهیلات ارزی یا ریالی با نرخ LIBOR(نرخ بهره بانکی بین المللی).
- ایجاد تسهیلاتی برای واردات مواد اولیه قطعات یدکی و ماشین آلات خط تولید با مشارکت مستقیم سیستم بانکی وارایه آن به بخش تولید به روش اجاره بشرط تملیک .
- تعیین تسهیلات بانکی با نرخ یارانه ای جهت تبدیل صنایع بی بازده به صنایع زود بازده به عبارت دیگر حمایت از صنایع زود بازده جدید به روش تبدیل صنایع دارای بازار و با تجربه به طرحهای زود بازده تبدیل شود .
- ایجاد فضای مناسب برای سرمایه گذاری، تولید و توسعه بخش خصوصی و همچنین شکل گیری یک جریان رشد پیوسته و باثبات اقتصادی در جهت نهضت کاهش قیمت تمام شده .
- استمهال اولویت دار بدھیهای قبلی صنایع کار آفرین

*۵-۴ تورم و مرحله دوم طرح هدفمندی یارانه‌ها

به نظر می‌رسد مرحله دوم هدفمندی یارانه‌ها، ظرف ماههای آینده اجرا شود. ولی چون هنوز از کم و کیف آن اطلاع دقیقی برای عموم منتشر نشده، مقرر است که با تعیین قیمت‌های فرضی و با توجه به وضعیت تورم بعد از مرحله اول هدفمندی یارانه‌ها، روند تورمی را برای سال ۱۳۹۱ بررسی و پیش‌بینی نماییم.

اگرچه هم‌اکنون در وضعیتی قرار داریم که هنوز اثرات تورمی افزایش قیمت ارز وجود دارد و هر گونه پیش‌بینی تورمی را مشکل می‌کند. ولی در هر صورت برای این کار روند تورمی برای دو حالت اجرا و عدم اجرای مرحله دوم تعیین می‌شود تا مابه التفاوت تورم اسفند ۹۱ در این دو حالت به دست آید.

نکته دیگر آنکه در مقاله پیش‌رو، فرض کردہ‌ایم که مرحله دوم طرح هدفمندی در ماه جاری (خردادماه) اجرا شود. البته این فرض بسیار بعید به نظر می‌رسد، اما در هر حال با فرض تاخیر مثلاً چهار یا هفت ماهه در اجرای فاز دوم طرح هدفمندی، باز هم چارچوب کلی تحلیل پیش‌رو معتبر خواهد بود.

*۵-۵ روند تورم با فرض اجرای فاز دوم طرح هدفمندی در ماه جاری

در حالت اول چنانچه فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها اجرا نشود تغییرات نرخ‌های تورم مطابق با جدول ۱ خواهد بود. بر این اساس نرخ تورم سال ۱۳۹۱ معادل ۲۳ درصد به دست می‌آید. جدول مزبور از آذر ۱۳۸۹ تغییرات نرخ‌های تورم را نشان می‌دهد تا مقایسه بهتری انجام شود.



* - منبع مقاله گردآوری شده خانم لیلا یزدانی

در حالت دوم و با فرض این که در مرحله دوم طرح هدفمندی، بنزین و گازوئیل از ابتدای خرداد ۹۱ به ترتیب تا قیمت ۹۰۰ و ۲۵۰ تومان افزایش یابد و دیگر حامل‌های انرژی نیز به میزان کمتری دچار افزایش قیمت شود، در این صورت نرخ تورم ماهانه در سه ماه خرداد، تیر و مرداد دچار افزایش غیرمعمول نسبت به ماه‌های دیگر خواهد شد که در جدول ۲ دیده می‌شود و تورم سال ۱۳۹۱ نیز در این حالت ۲۶/۹ درصد به دست می‌آید. به عبارت دیگر براساس فروض مطرح شده تورم مرحله دوم هدفمندی یارانه‌ها حدود ۴ درصد خواهد بود. مهم‌ترین متغیری که تأثیر عمده و اصلی را روی تورم دارد حجم پول و تغییرات آن است. به همین دلیل مناسب است تغییرات این متغیر را در ۱۵ سال گذشته بررسی نماییم. رشد نقدینگی از سال ۷۶ تا سال ۹۰ بسیار متفاوت بوده است. سال ۷۶ رشد نقدینگی ۱۵/۲ درصد بود اما در سال ۷۷ این رشد به ۱۹/۴ درصد، سال ۷۸ به ۲۰/۱ درصد و در سال ۷۹ براساس آمارها ۲۹/۲ درصد بوده است. یکی از علل اصلی افزایش رشد نقدینگی سال ۷۸ و ۷۹ افزایش درآمدهای نفتی بوده است.

جدول - ۱ تورم از آذر ۸۹ تا کنون (حالت اول)

ماه	شناخت	تورم ماهانه	تورم نقطه‌ای	تورم میانگین
آذر ۸۹	۲۲۲/۲	۱/۰	۱۲/۸	۱۰/۱
دی ۸۹	۲۲۹/۶	۲/۷	۱۰/۸	۱۰/۸
بهمن ۸۹	۲۴۰/۶	۲/۰	۱۸/۰	۱۱/۶
اسفند ۸۹	۲۰۴/۰	۲/۴	۱۹/۹	۱۲/۴
فروردین ۹۰	۲۰۷/۱	۰/۸	۱۹/۷	۱۲/۲
اردیبهشت ۹۰	۲۶۰/۴	۱/۷	۲۱/۲	۱۴/۲
خرداد ۹۰	۲۶۴/۷	۱/۷	۲۲/۳	۱۰/۴
تیر ۹۰	۲۶۴/۹	۰/۱	۲۱/۱	۱۶/۲
مرداد ۹۰	۲۶۷/۶	۱/۰	۲۰/۸	۱۷/۲
شهریور ۹۰	۲۷۲/۲	۱/۸	۲۲/۰	۱۸/۲
مهر ۹۰	۲۷۷/۲	۱/۰	۲۱/۸	۱۹/۱
آبان ۹۰	۲۸۰/۶	۱/۳	۲۲/۱	۱۹/۸
آذر ۹۰	۲۸۰/۶	۱/۸	۲۲/۴	۲۰/۱
دی ۹۰	۲۸۹/۷	۱/۴	۲۰/۹	۲۱/۰
بهمن ۹۰	۲۹۹/۰	۲/۲	۲۱/۷	۲۱/۲
اسفند ۹۰	۲۰۹/۲	۲/۴	۲۱/۸	۲۱/۰
فروردین ۹۱	۲۱۷/۲	۲/۶	۲۲/۹	۲۱/۸
اردیبهشت ۹۱	۲۲۱/۲	۱/۳	۲۲/۴	۲۲/۰
خرداد ۹۱	۲۲۰/۰	۱/۲	۲۲/۰	۲۲/۱
تیر ۹۱	۲۲۹/۷	۱/۳	۲۴/۰	۲۲/۴
مرداد ۹۱	۲۳۴/۰	۱/۲	۲۴/۸	۲۲/۷
شهریور ۹۱	۲۲۸/۴	۱/۲	۲۴/۲	۲۲/۹
مهر ۹۱	۲۴۲/۸	۱/۲	۲۴/۱	۲۲/۱
آبان ۹۱	۲۴۷/۲	۱/۲	۲۲/۷	۲۲/۲
آذر ۹۱	۲۵۱/۷	۱/۲	۲۲/۲	۲۲/۲
دی ۹۱	۲۵۷/۲	۱/۲	۲۲/۰	۲۲/۰
بهمن ۹۱	۲۶۰/۹	۱/۲	۲۰/۷	۲۲/۲
اسفند ۹۱	۲۶۰/۶	۱/۲	۱۸/۲	۲۲/۰

از سال ۸۰ تا پایان سال ۸۶ همواره رشد نقدینگی بالای ۲۰ درصد گزارش شده است. سال ۸۰ افزایش نقدینگی در سطح ۲۸/۸ درصد بوده و در سال‌های ۸۱ تا ۸۶ به ترتیب ۳۰/۲ درصد، ۲۶ درصد، ۳۰/۲ درصد، ۳۴/۳ درصد، ۳۹/۴ درصد و ۲۷/۷ درصد بوده است.

رشد بالای نقدینگی در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ منجر به افزایش شدید نرخ تورم به ویژه قیمت مسکن در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ شد. جدول ۳، تغییرات حجم نقدینگی را به صورت ماهانه برای ۸ سال اخیر نشان می‌دهد. ستون رشد سالانه جدول فوق که نشان‌دهنده رشد سالانه نقدینگی منتهی به هر ماه به درصد است به صورت منحنی در اینجا ارائه شده است. این منحنی به خوبی بیان‌پذیری پولی را به ویژه در ماه‌های منتهی به شهریور ۱۳۸۶ نشان می‌دهد.

جدول - ۲ تغییرات تورم بعد از مرحله دوم هدفمندی (حالت دوم)				
ماه	شاخص	تورم میانگین	تورم نقطه‌ای	تورم ماهانه
بهمن ۹۰	۲۹۹/۰	۲۱/۷	۲۱/۳	۳/۲
اسفند ۹۰	۳۰۹/۳	۲۱/۸	۲۱/۰	۳/۴
فروردین ۹۱	۳۱۷/۲	۲۲/۹	۲۱/۸	۲/۶
اردیبهشت ۹۱	۳۲۱/۰	۲۲/۳	۲۲/۰	۱/۲
خرداد ۹۱	۳۳۰/۰	۲۴/۷	۲۲/۲	۲/۸
تیر ۹۱	۳۴۹/۰	۲۸/۰	۲۲/۹	۲/۷
مرداد ۹۱	۳۴۸/۰	۳۰/۰	۲۳/۷	۲/۷
شهریور ۹۱	۳۵۲/۰	۲۹/۰	۲۴/۳	۱/۳
مهر ۹۱	۳۵۷/۱	۲۹/۲	۲۴/۹	۱/۳
آبان ۹۱	۳۶۱/۷	۲۸/۹	۲۵/۰	۱/۳
آذر ۹۱	۳۶۶/۵	۲۸/۳	۲۶/۰	۱/۳
دی ۹۱	۳۷۱/۲	۲۸/۱	۲۶/۶	۱/۳
بهمن ۹۱	۳۷۶/۰	۲۰/۸	۲۶/۹	۱/۳
اسفند ۹۱	۳۸۰/۹	۲۳/۲	۲۶/۹	۱/۳

اما به دلیل اعمال سیاست انضباط پولی، رشد نقدینگی در سال ۸۷ با کاهش قابل توجهی مواجه می‌شود. در این سال رشد نقدینگی با ۱۲ درصد کاهش به ۱۵/۹ درصد رسید. در سال ۸۸ رشد نقدینگی با ۸ واحد درصد افزایش به ۲۳/۹ درصد رسید و در سال ۸۹ این نرخ با ۱/۳ واحد درصد رشد به ۲۵/۲ درصد رسید.

حجم کل نقدینگی در خرداد سال ۸۴ بالغ بر ۷۰ هزار میلیارد تومان بوده و این میزان در اسفند سال ۸۵ به ۱۲۸ هزار میلیارد تومان رسیده که ۵۸ هزار میلیارد تومان افزایش نشان می‌دهد. سال ۸۶ حجم نقدینگی کل با ۳۶ هزار میلیارد تومان رشد ۱۶۴ هزار میلیارد تومان شد و در سال ۸۷ مجموع آن بالغ بر ۱۹۰ هزار میلیارد تومان بوده که ۲۶ هزار میلیارد تومان افزایش نشان می‌دهد.

حجم کل نقدینگی در سال ۸۸ هم افزایش یافت و با ۴۵ هزار میلیارد تومان افزایش به ۲۳۵ هزار میلیارد تومان رسید. همچنین نقدینگی سال ۸۹ حدود ۲۹۴ هزار و ۸۸۴ میلیارد تومان بوده که ۵۹ هزار میلیارد تومان افزایش داشته است.

جدول ۳- حجم کل تقدیرگی در هر ماه و رشد آن در ۸ سال گذشت (میلیارد روبل)

با توجه به اظهارات رییس کل بانک مرکزی مبنی بر رشد نقدینگی ۱۹/۴ درصدی سال ۹۰ مجموع نقدینگی در سال ۹۰ با ارقام موجود، معادل ۳۵۲۰۹۵۵ میلیارد ریال خواهد بود. بر این اساس یکی از نکات مورد توجه در این اعداد و ارقام، حجم افزوده شده به نقدینگی کشور است، به طوری که از سال ۸۴ تاکنون سه بار خلق نقدینگی سالانه بالای ۵۰ هزار میلیارد تومان اتفاق افتاده و به غیر از سال ۸۷ که نقدینگی ۲۶ هزار میلیارد تومان افزایش داشته در سال های دیگر بالای ۳۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی ایجاد شده است.

در سال های اخیر میزان افزایش نقدینگی آنقدر بالا بوده که در دو، سه سال اخیر اگر حجم خلق نقدینگی، بالای ۵۰ هزار میلیارد تومان هم باشد، باز هم درصد رشد نقدینگی به کمتر از ۲۰ درصد می رسد.اما نکته ای که باید در اینجا به آن اشاره شود این است که سال گذشته بانک مرکزی با پیش فروش سکه، بیش از ۵ هزار میلیارد تومان نقدینگی را جمع کرد و این کار باعث کاهش حجم نقدینگی به میزانی بیش از مقدار فوق و متناسب با ضریب فزاینده نقدینگی بوده است. به عبارت دیگر، کاهش رشد نقدینگی در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال قبل به دلیل انضباط مالی نبوده است و اگر فروش طلا توسط بانک مرکزی اتفاق نمی افتد رشد نقدینگی سال ۱۳۹۰ از سال قبل بیشتر شده و به حدود ۲۶ درصد می رسد. نکته بسیار مهم در اینجا آن است که برخلاف گفته برخی کارشناسان که برای مهار تورم، تزریق پول پر قدرت به تولید را لازم می دانند به هیچ وجه نباید به افزایش حجم پول روی آورد. چراکه برای مثال اگر ۵۰ هزار میلیارد تومان پول خلق شود و در دو حالت، یا کاملا به مصرف تولید برسد یا کاملا در هزینه های جاری خرج شود تفاوت تورم این دو حالت بسیار ناچیز است. مثلا تورم در حالت اول ۲۰ درصد و در حالت دوم ۲۱ درصد خواهد بود. بنابراین اگر تولید کننده با کمبود پول مواجه می باشد باید دلیل آن را در مصرف بیش از حد نقدینگی توسط دولت جست وجو کرد که با کاهش مصرف دولت می توان مشکل کمبود نقدینگی تولید را برطرف نمود.